

۱۴۶

ماهنامه فرهنگی اجتماعی
سال شانزدهم / مهر ۱۴۰۳

فرهنگ پاسداری

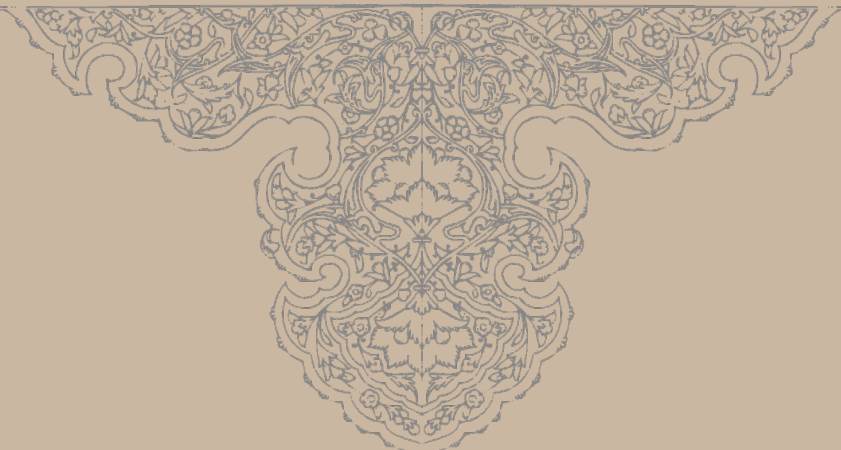
- ◆ زندگینامه حضرت معصومه (س)
- ◆ ماجرای بازسازی گنبد حرم حضرت معصومه (س)
- ◆ گفتگو با کارگردان «اخت الرضا»
- ◆ فضیلت زیارت حضرت فاطمه معصومه (س)
- ◆ مقامات و خصوصیات حضرت فاطمه معصومه (س)
- ◆ فتنه مجاهدین خلق در ۵ مهر ۱۳۶۰
- ◆ عملکرد منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ◆ عملیات مرصاد (فروغ جاویدان)
- ◆ منافقین در شبکه های اجتماعی
- ◆ پاسخ تند امام خمینی به مجاهدین خلق

منافقان

از کفار بدترند

امام خمینے (ره)





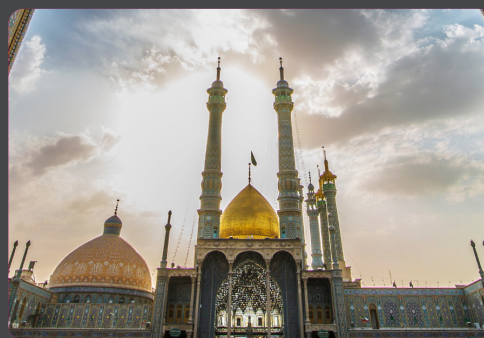
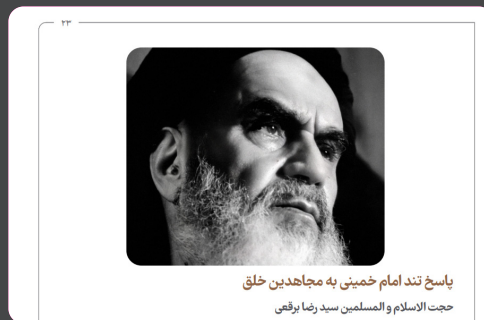
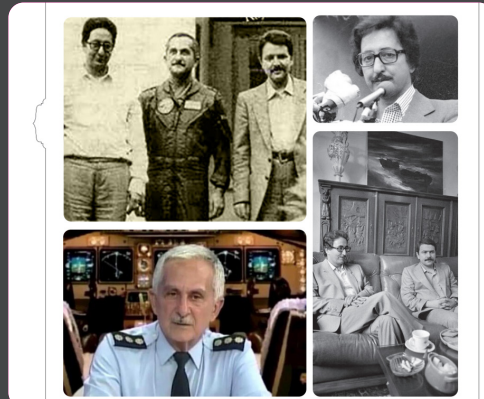
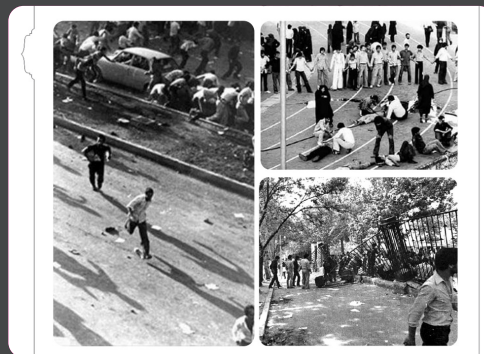
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

مهرماه ۱۴۰۳

فهرست مطالب

- ۳ سخن آغازین
- ۴ فتنه مجاهدین خلق در ۵ مهر ۱۳۶۰
- ۶ منافقین (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۸ عملکرد منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۰ فعالیت‌های منافقین پس از خروج از ایران
- ۱۲ عملیات مرصاد (فروغ جاویدان)
- ۱۴ عملکرد سازمان مجاهدین خلق در جنگ تحمیلی
- ۱۶ در خانه‌های تیمی منافقین چه می‌گذشت؟
- ۱۸ شکنجه و سازمان تروریستی مجاهدین خلق
- ۲۰ منافقین در شبکه‌های اجتماعی
- ۲۲ روند مارکسیست شدن بخشی از اعضای مجاهدین خلق
- ۲۳ پاسخ تند امام خمینی به مجاهدین خلق
- ۲۴ زندگینامه حضرت معصومه (ع)
- ۲۶ شخصیت حضرت معصومه (س)
- ۲۸ شأن حضرت معصومه (س)
- ۲۹ جایگاه والای فاطمه معصومه در منظومه معرفتی امام خمینی
- ۳۰ ماجرای بازسازی گنبد حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها
- ۳۲ ویژگی‌های ممتاز حضرت معصومه (س) برای زنان مسلمان
- ۳۴ چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد؟
- ۳۵ گفتگو با کارگردان «اخت‌الرضا»
- ۳۶ مقامات و خصوصیات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)
- ۳۸ فضیلت زیارت حضرت فاطمه معصومه (س)
- ۳۹ حرم حضرت معصومه (س)
- ۴۰ ولادت با سعادت امام حسن عسگری (ع)



شناسنامه

مهر ماه ۱۴۰۳
مدیر مسئول:
سررتیب دوم پاسدار حسین محبی
سردبیر:
حسن شریعتی
دبیر تحریریه:
ایرج فرامرزی
نویسندگان و همکاران این شماره:
بهره‌گیری از آثار استاد محمدرضا حکیمی، آیت‌الله مسعودی خمینی، علی اصغر فقیهی، حجت‌الاسلام مرتضی ادیب‌یزدی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید رضا برفعی، سید محسن موسوی‌زاده جزایری، سیدمجتبی طباطبائی، دکتر حسین محبی، دکتر حمید حاذق نیکرو، حسن شریعتی، ایرج فرامرزی

چاپ و لیتوگرافی: مرکز چاپ سپاه
نشانی: تهران ستاد فرماندهی کل سپاه، ساختمان شماره ۲
معاونت فرهنگی و تبلیغات، مدیریت نشریات
تلفن و درون‌گاز سردبیر:
۳۳۳۲۲۲۰-۳۵۵۳۳۸۴۷
مرکز توزیع: ۳۵۲۳۳۸۷۸
صندوق پستی:
۱۶۵-۱۷۳۸۵
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۹۹۶۲
با تشکر از دفتر تأیید محتوا و نظارت بر محصولات فرهنگی سپاه، بایبذ محتوا به شماره خودکتر سازی ۱۱۶۵۴۴۰



سخن آغازین

این توهمات در حالی است که بعداً مسعود رجوی در جمع‌بندی یک ساله خود تصریح می‌کند که از ابتدا می‌دانسته که الگوی تظاهرات بی‌نتیجه خواهد بود ولی باز هم آن را «تست» کرد.

درباره زندگانی فاطمه معصومه و شرح احوالات او و همچنین شمارش و توضیح کرامات و معجزاتش؛ کتاب‌های مفصل و متعددی نگارش یافته که برخی از آنها عبارتند از:

کتاب احوالات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تألیف محمدحسین مفلس (متوفی ۱۳۶۷ هـ.ق)، کتاب وسیله المعصومه اثر حکیم میر ابوطالب (۱۳۷۱ هـ.ق)، کتاب حضرت معصومه و شهر قم اثر محمد حکیمی، کتاب زندگی حضرت معصومه علیها السلام اثر محمد محمدی اشتهاردی، کریمه اهل بیت علیهم السلام اثر علی اکبر مهدی‌پور، تعزیه حضرت معصومه علیها السلام اثر سید حسین مدرسی طباطبایی اشاره کرد. همچنین کتاب‌های به زندگانی فاطمه معصومه پرداخته، از جمله کتاب سیده‌عش آل محمد (ص) سید ابوالحسن هاشم، فاطمه بنت الامام موسی بن جعفر علیه السلام تألیف سید محمدباقر موحد ابطحی، فاطمه بنت الامام موسی الکاظم اثر محمدهادی امینی کتاب انجم فروزان، اثری از عباس بن محمد فیض قمی (۱۳۹۲ هـ.ق)، کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام از کامل‌ترین و گسترده‌ترین کتب در زندگانی فاطمه معصومه، توسط علی اکبر مهدی‌پور است و ...

در اینجا بنا به محدودیت‌های مجله صرفاً به عنوان تبرک و تیمم به طور مختصر به ابعادی از زندگی و شخصیت این بانوی فرزانه اسلام می‌پردازیم.

با سلام به محضر خوانندگان عزیز به سمع و نظر شما می‌رسانیم بنا به سیاست مجله فرهنگ پاسداری در پرداختن به موضوعات مهم هر ماه، در این شماره به مناسبت فتنه منافقین در پنجم مهر در سال ۱۳۶۰ به تاریخچه سازمان منافقین و گوشه‌ای از جنایات و فتنه‌جویی‌های آن پرداخته و همچنین بنا به مناسبت وفات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در بیست و سوم مهر مصادف با ده ربیع الثانی به زندگانی و ویژگی‌های شخصیتی این بانوی بزرگ اسلامی اشاراتی خواهیم کرد. آشوب پنجم مهر ماه ۱۳۶۰ منافقین، یکی از فتنه‌های فرقه رجوی است که با توهم یک سره کردن کار نظام و وارد کردن ضربه نهائی به نظام طراحی شده بود. در اواخر شهریور ماه ۱۳۶۰، خط و تاکتیک «تظاهرات گسترده» در داخل سازمان مجاهدین خلق طرح شد؛ با این ویژگی که تعداد بیشتری تیم‌های مسلح در راهپیمایی شرکت داده شوند، و تمام نیروهای اجرایی و عملیاتی و هواداران تشکیلاتی در صحنه حضور یابند، و مناطق شروع راهپیمایی طوری در نظر گرفته شود که گروه‌های مختلف سازمان‌دهی شده - در نهایت - به هم پیوندند تا راهپیمایی گسترده شود.

رجوی در ابتدای آشوب اظهار کرد عملیات بزرگی مثل ۷ تیر نشان داد که نظام ضربه‌پذیر است. پیکر نظام ظرف بلورینی است که شکسته شده؛ و کافی است که یک ضربه دیگر به آن وارد آید تا ظرف ریزش شده و هر تکه‌اش از هم جدا و به گوشه‌ای پرتاب شود. شرایط اجتماعی و مردم مثل چاه آرتزینی است که فقط احتیاج به یک جرعه دارد تا پوسته‌ها شکافته [شود و چاه] فوران کند؛ آن زمان دیگر هیچ چیز جلودار آن نخواهد بود....



فتنه مجاهدین خلق در ۵ مهر ۱۳۶۰

منافقین با تصور واهی ضربه اساسی به نظام اسلامی، تظاهراتی برای روز اول مهر طرح‌ریزی کردند ولی به دلیل برگزاری تظاهرات دانش‌آموزی به مناسبت بازگشایی مدارس به تظاهرات به پنج‌مهر افتاد. قبل از شروع فتنه، رجوی تحت عنوان «پتانسیل نهفته خلق» عنوان کرد: به آن درجه از توان نظامی رسیده‌ایم که اگر از رژیم جلوتر نباشیم، پا به پای او هستیم ما در ۵ مهر ماه با قیامی شبیه به قیام توده‌ای ۲۲ بهمن رو برو هستیم باید مردم را تحت حمایت نیروهای مسلح‌مان به صحنه بکشانیم. می‌بایست این تظاهرات با شرکت خود مردم صورت گیرد؛ و ما به عنوان پیش‌تاز مسلح از مردم حمایت خواهیم کرد. ضرورت انقلاب ایجاب می‌کند که کشته‌ها زیاد باشد، و درخت آزادی خون می‌خواهد. شاید کشته‌ها به اندازه ۲۲ بهمن ۵۷ باشد و شاید بیشتر؛ ولی تعداد آن مهم نیست. مردم کاملاً آماده قیام توده‌ای هستند. بالاخره تعداد قابل توجهی هوادار مسلح، از سه نقطه مرکزی تهران، در ساعت ۱۰/۵ صبح - پنجم مهر ماه ۱۳۶۰، با شلیک هوایی و آتش زدن مقداری لاستیک اتومبیل و نیز اتوبوس‌های شرکت واحد، راهپیمایی را آغاز کردند. شکل عمل بدین گونه بود که افراد موتورسوار (و گاه پیاده) در اکیپ‌های مختلف با گردآوری هواداران و افراد موجود در محل شروع به «تظاهرات»

منافقین با تصور واهی ضربه اساسی به نظام اسلامی، تظاهراتی برای روز اول مهر طرح‌ریزی کردند ولی به دلیل برگزاری تظاهرات دانش‌آموزی به مناسبت بازگشایی مدارس به تظاهرات به پنج‌مهر افتاد.

نوعی جدید از ضدتبلیغ علیه سازمان نیز در بین مردم صورت گرفت؛ «وحشی»، «جانی» و «دیوانه مسلح» از جمله القاب و صفاتی بود که مردم به عناصر سازمان نثار می‌کردند.

ضرورت انقلاب ایجاب می‌کند که کشته‌ها زیاد باشد، و درخت آزادی خون می‌خواهد. شاید کشته‌ها به اندازه ۲۲ بهمن ۵۷ باشد و شاید بیشتر؛ ولی تعداد آن مهم نیست. مردم کاملاً آماده قیام توده‌ای هستند.

به اعتراف خود وی، هواداران سازمان «در دسته‌های ۵۰ تایی، ۱۰۰ تایی و ۲۰۰ تایی» کشته یا دستگیر شدند. رجوی با صراحت ناگزیر شد اعتراف کند که «... به نسبت هدف شماره ۲ (تست کردن عنصر اجتماعی)، جواب آزمایش منفی بود»؛

ساختمان‌های اطراف آن رفته بودند و سنگر گرفته بودند. دو پاسدار که از دانشگاه [جامعه‌الصادق] بیرون آمده بودند، توسط این برادران مغزشان به روی زمین ریخته شد. در ادامه عملیات رزمندگان، تعدادی از خواهران به درون ساختمان‌های اطراف رفته و از آنجا تیراندازی می‌نمودند. تیراندازی تا ساعت ۳/۱۵ ادامه داشت... با رسیدن نیروهای مردمی، دومین مقابله عمومی بعد از ۳۰ خرداد شکل گرفت. علاوه بر آنکه تعداد زیادی از هواداران سازمان توسط مردم یا به کمک آنان دستگیر شدند، نوعی جدید از ضدتبلیغ علیه سازمان نیز در بین مردم صورت گرفت؛ «وحشی»، «جانی» و «دیوانه مسلح» از جمله القاب و صفاتی بود که مردم به عناصر سازمان نثار می‌کردند. در این حرکت ناشیانه و خالی از هر نوع منطق، که مسعود رجوی بعداً آن را «آزمایش» نام نهاد، به اعتراف خود وی، هواداران سازمان «در دسته‌های ۵۰ تایی، ۱۰۰ تایی و ۲۰۰ تایی» کشته یا دستگیر شدند.

رجوی با صراحت ناگزیر شد اعتراف کند که «... به نسبت هدف شماره ۲ (تست کردن عنصر اجتماعی)، جواب آزمایش منفی بود»؛ در اینجا گزارش یک منافق، که مسئولیت یک واحد نظامی را نیز در تظاهرات مسلحانه ۵ مهر به عهده داشته و خود نیز مرتکب قتل شده است، عیناً نقل می‌کنیم: «... پنج‌مهر تمام تدارکات آماده شد؛ چندین واحد بودند هر واحد - عموماً - از ۴ نفر تشکیل می‌شد که هر کدام ۴ سلاح ژ - ۳، با خشاب، و حدود ۵۰۰ - ۴۰۰ فشنگ داشتند.

قبل از تظاهرات گفته بودند: «برای اینکه آماده شوید از نظر بدنی، غذای خوبی بخورید.» موقع شروع، همه نیروها رفتند سوار ماشین شدند؛ و جریان عادی در خیابان بود. تا اینکه ماشین را به طور عرضی پارک کردیم و پیاده شدیم؛ و شروع به تیراندازی و شلیک هوایی کردیم. سازمان گفته بود: «شما اصلاً قرار نیست در تظاهرات شرکت کنید؛ فقط بروید شلیک کنید، یک میلیون آدم می‌آید و شما را روی دست

یا «راهپیمایی» می‌کردند. این افراد با شلیک رگبار هوایی و گاه با شلیک‌های مستقیم به ساختمان‌های مراکز عمومی، بانک‌ها، مغازه‌ها، پاساژها و اتومبیل‌هایی که افراد با ظاهر مذهبی در آن نشسته بودند، با سردادن شعارهای، تظاهرات را پیش می‌بردند. به واحدهای عملیاتی دستور داده شده بود که «هر کس به هر شکل خواست جلوی تظاهرات را بگیرد به رگبار ببندید و حتی اینکه از چه موضعی از تظاهرات جلوگیری می‌کند، فرقی ندارد... اگر نیروهای عملیاتی بتوانند از این تظاهرات، ۲ ساعت حفاظت بکنند، کار تمام است و نیروهای مردمی به ما می‌پیوندند و آتش زیر خاکستر، شعله‌ور می‌شود.»

در بولتن سازمان، از زبان یکی از افراد شرکت‌کننده در حوادث ۵ مهر آمده است: «... رأس ساعت ۱۰/۵ با تک‌تیرهای برادران، شروع تظاهرات اعلام شد. با آغاز تظاهرات، یک اتوبوس بنز خط ۱ به آتش کشیده شد. در ابتدا، با توجه به اینکه مسافران از قصد رزمندگان

مردمی به ما می‌پیوندند و آتش زیر خاکستر، شعله‌ور می‌شود.» در بولتن سازمان، از زبان یکی از افراد شرکت‌کننده در حوادث ۵ مهر آمده است: «... رأس ساعت ۱۰/۵ با تک‌تیرهای برادران، شروع تظاهرات اعلام شد. با آغاز تظاهرات، یک اتوبوس بنز خط ۱ به آتش کشیده شد. در ابتدا، با توجه به اینکه مسافران از قصد رزمندگان

مردمی به ما می‌پیوندند و آتش زیر خاکستر، شعله‌ور می‌شود.» در بولتن سازمان، از زبان یکی از افراد شرکت‌کننده در حوادث ۵ مهر آمده است: «... رأس ساعت ۱۰/۵ با تک‌تیرهای برادران، شروع تظاهرات اعلام شد. با آغاز تظاهرات، یک اتوبوس بنز خط ۱ به آتش کشیده شد. در ابتدا، با توجه به اینکه مسافران از قصد رزمندگان

تظاهرات ۵ مهر:

... گزارش‌هایی حاکی از این موضوع داشتیم که عده‌ای از مردم با مشت خالی جلوی تیم‌های نظامی ایستادند و شعار می‌دادند و آنها هم که بی تفاوت بودند ماشین‌ها و امکاناتی را که در خیابان داشتند، جمع می‌کردند تا مبدا کسی پشت آنها سنگر بگیرد...

گزارش‌هایی حاکی از این موضوع داشتیم که عده‌ای از مردم با مشت خالی جلوی تیم‌های نظامی ایستادند و شعار می‌دادند و آنها هم که بی تفاوت بودند ماشین‌ها و امکاناتی را که در خیابان داشتند، جمع می‌کردند تا مبدا کسی پشت آنها سنگر بگیرد...

همچنین ولی‌الله صفوی یکی دیگر از مسئولان نظامی این تظاهرات اظهار داشت:

.. این تظاهرات تنها نتیجه‌ای که برای سازمان داشت، [دستگیری و] کشته شدن عمده نیروهای اجرایی و عملیاتی در آن روز بود. این تظاهرات هم با مقاومت مردم و با شکست برای سازمان تمام می‌شود که طی آن نیز عده‌ای از مردم بی‌گناه به شهادت می‌رسند...

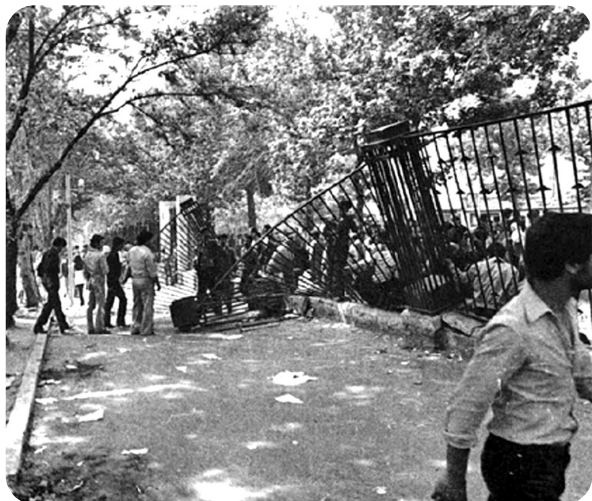
منبع: سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

بلند می‌کند» البته چنین آرزوی خامی انجام نیافت. ما در خیابان طالقانی (تخت جمشید سابق) بودیم. خیابان کلاً تخلیه شده بود و ما ماندیم و چند ماشین، که به طور پراکنده در خیابان به چشم

در واقع «درگیری» بود؛ «تظاهرات» به هیچ‌وجه انجام نگرفت.. برخلاف گفته سازمان، نه از جمعیت میلیونی خبری شد و نه اینکه ما موفقیتی پیدا کردیم.

می‌خورد. در واقع «درگیری» بود؛ «تظاهرات» به هیچ‌وجه انجام نگرفت.. برخلاف گفته سازمان، نه از جمعیت میلیونی خبری شد و نه اینکه ما موفقیتی پیدا کردیم. شروع به عقب‌نشینی کردیم راه فراری نبود خواستیم به یکی از خانه‌ها فرار کنیم؛ چندین خانه را زنگ زدیم و هیچ کس در را باز نکرد. آخر سر، چند مرتبه با شلیک گلوله به در خانه‌ها، در را باز کردیم که بتوانیم فرار بکنیم؛ اما در فرار موفق نشدیم و دستگیر شدیم. موقعی که دستگیر شدیم و می‌خواستند ما را به زندان منتقل کنند، مردم جمع شده بودند جلوی خیابان طالقانی و می‌گفتند: «آقای موسوی تبریزی [ادستان کل انقلاب اسلامی] گفته که کسی که در تظاهرات مسلح باشد، باید اعدام بشود. و ما هم همین جا می‌ایستیم و همه آنها باید اعدام شوند.» و حتی این طور که من متوجه شدم، کمیته متوسل به تیر هوایی شد تا ما را از میان جمعیت رد کند...

به گفته محمدرضا یزدی‌زاده یکی از مسئولان سازمان‌دهی



منافقین (سازمان مجاهدین خلق ایران)

به سه بخش مجزا تبدیل شد که رهبر هر بخش، عضو کمیته مرکزی سه نفره بود. هر بخش برای عضوگیری و تهیه سلاح به طور مستقل اجازه داشت، ولی برای اجرای عملیات مسلحانه یا انتشار هر نوع اعلامیه به نام مجاهدین خلق، باید از کمیته مرکزی کسب تکلیف می کرد.

در این دوره، بخش خارج کشور سازمان نیز فعالیت خود را به عنوان یک ارگان با وظایف مشخص، آغاز کرد. بیشتر فعالیت این بخش، انتشار و تبلیغات با گرفتن یک موج رادیویی از دولت عراق و آموزش نظامی اعضا بود.

از جمله فعالیت‌های ارگان خارج کشور، در همان آغاز کار، تماس و دیدار حسین احمدی روحانی (از مسئولان این ارگان) با امام خمینی بود که در اواخر سال ۱۳۵۰ و اوایل ۱۳۵۱ انجام گرفت.

امام خمینی از تأیید سازمان، خودداری و با ایدئولوژی التقاطی و شیوه مبارزه مسلحانه سازمان مخالف کردند.

در اوایل سال ۱۳۵۲، مجاهدین خلق کانون‌هایی ایجاد کردند و نشریاتی مانند نشریه «جنگل» نشریه خبری سازمان مجاهدین خلق ایران، نشریات تیم ایدئولوژی، مانند شناخت، تکامل، اقتصاد، مطالعات مارکسیستی، نهضت حسینی و چگونه قرآن بیاموزیم را منتشر می کرد.

سازمان در ادامه اقدامات نظامی علیه رژیم پهلوی، عملیاتی مانند انفجار در هنگام ورود ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا به ایران و به گلوله بستن اتومبیل ژنرال هارولد پرایس، رئیس هیئت مستشاری آمریکا در ایران در خرداد ۱۳۵۱، انفجار بمب در سفارت اردن به نشانه اعتراض به سفر ملک حسین، پادشاه اردن، به ایران در مرداد ۱۳۵۱ و حمله به برخی مراکز نظامی را انجام داد؛

دوره ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷

خلأ وجود رهبران اولیه که اغلب مذهبی بودند، به تدریج موجب رشد دوگانگی فکری میان اسلام و مارکسیسم و ریشه‌دواندن آن در سازمان گردید و در نهایت، اسلام از مشی فکری سازمان کنار گذاشته شد سازمان در بهار ۱۳۵۴ در ادامه عملیات نظامی، اقدام به ترور دو مستشار عالی‌رتبه آمریکایی کرد ساواک بسیاری از رهبران سازمان را دستگیر و اعدام کرد یا آنان در درگیری‌های

خلأ وجود رهبران اولیه که اغلب مذهبی بودند، به تدریج موجب رشد دوگانگی فکری میان اسلام و مارکسیسم و ریشه‌دواندن آن در سازمان گردید و در نهایت، اسلام از مشی فکری سازمان کنار گذاشته شد

خیابانی جان خود را از دست دادند افشای ترورهای درون‌سازمانی و تشکیلاتی در این مرحله، موجب بهره‌برداری تبلیغاتی وسیع رژیم و پخش مصاحبه‌های تکان‌دهنده از عوامل این ترورها شد. پس از این حوادث، سرانجام در مهر ۱۳۵۴، با انتشار بیانیه هزار صفحه‌ای اعلام مواضع ایدئولوژیک، تغییر ایدئولوژی در سازمان جنبه رسمی یافت و سازمان با مواضع ایدئولوژیک مارکسیستی

سازمان مجاهدین خلق، در سال ۱۳۴۴ با تشخیص ضرورت تشکیل سازمانی مخفی و متشکل با ایدئولوژی اسلامی برای مبارزه با امپریالیسم تشکیل شد. مشی مسلحانه و ایدئولوژی التقاطی، مراحل مختلفی را در سال‌های پیش از انقلاب و بعد از آن برای سازمان رقم زد.

سازمان مجاهدین خلق، در سال ۱۳۴۴ با تشخیص ضرورت تشکیل سازمانی مخفی و متشکل با ایدئولوژی اسلامی برای مبارزه با امپریالیسم تشکیل شد.

عملکرد پیش از انقلاب اسلامی

عملکرد سازمان از آغاز تأسیس تا پیروزی انقلاب اسلامی، در سه دوره قابل بررسی است:

از تأسیس تا ضربه رژیم در سال ۱۳۵۰

در میانه سال ۱۳۴۷، تیم‌های انتشارات، لجستیک، اطلاعات و ارتباطات برای تدارک فعالیت‌های مسلحانه در سازمان ایجاد شد و آغاز مبارزه، به کسب حداقلی آمادگی نظامی و تدارک اسلحه مورد نیاز منوط گردید که تماس با سازمان الفتح، برای زمینه‌سازی اعزام اعضا به اردوگاه‌های فلسطینی و گذراندن دوره آموزش نظامی، نخستین اقدام در این جهت بود.

در میانه سال ۱۳۴۷، تیم‌های انتشارات، لجستیک، اطلاعات و ارتباطات برای تدارک فعالیت‌های مسلحانه در سازمان ایجاد شد و آغاز مبارزه، به کسب حداقلی آمادگی نظامی و تدارک اسلحه مورد نیاز منوط گردید

به دنبال تصمیم اعضای رهبری سازمان برای طراحی عملیات نظامی در زمان برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی از طریق بمب‌گذاری در تأسیسات برق تهران در مهر ۱۳۵۰ سازمان تلاش کرد تا اوایل تابستان ۱۳۵۰، سلاح مورد نیاز برای این عملیات را، از منابع قاچاق تأمین کند ساواک در اول شهریور ۱۳۵۰، با حمله به برخی خانه‌های تیمی، شمار زیادی از رهبران، اعضا و طرفداران سازمان و در مجموع حدود ۱۲۰ تن را دستگیر کرد. ۶۹ تن از آنان در دادگاه نظامی محاکمه و همه کادر مرکزی به اعدام محکوم شدند. از این میان، نه تن در فروردین و خرداد ۱۳۵۱ تیرباران شدند؛ رضا رضایی پیش از محاکمه از زندان گریخته بود و حکم اعدام بهمین بازگانی و مسعود رجوی به شکل مشکوکی تغییر و به زندان ابد تخفیف یافت.

دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴

دستگیری اعضای اصلی مجاهدین خلق آنها را بسیار ضعیف کرد. رضا رضایی که گریخته بود، به همراه احمد رضایی، حسین روحانی و تراب حق‌شناس که در خارج کشور بودند و دو تن دیگر، مانع فروپاشی سازمان شدند. پس از این، سازمان

موسی خیابانی و مسعود رجوی که در آن مقطع رهبری اعضای زندانی را بر عهده داشتند، مصمم شدند با توجه به جایگاه مذهب و روحانیت در میان مردم و برای جلوگیری از تضعیف سازمان، مانع گسترش این خبر شوند و همچنان با تظاهر به اسلام از منابع مالی و انسانی نیروهای مذهبی، بهره ببرند

زندانی ضروری است و هر گونه مسامحه، خسارات جبران‌ناپذیر خواهد داشت. این نظریه با مخالفت جدی خیابانی و رجوی در زندان روبه‌رو شد.

امام خمینی آشکار شدن ماهیت اصلی سازمان را لطف الهی و موجب پیشگیری از ضربات بیشتر آنها به اسلام دانست. قطع حمایت‌های مادی و معنوی روحانیان و نیروهای مذهبی، سازمان را بیش از پیش

امام خمینی آشکار شدن ماهیت اصلی سازمان را لطف الهی و موجب پیشگیری از ضربات بیشتر آنها به اسلام دانست. قطع حمایت‌های مادی و معنوی روحانیان و نیروهای مذهبی، سازمان را بیش از پیش ضعیف کرد.

ضعیف کرد. از این رو پس از سال ۱۳۵۵ تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی که اوج مبارزه گروه‌های مذهبی بود، تحرک چشمگیری از گروه‌های چپ دیده نشد و پس از کشته شدن وسیع اعضای سازمان مجاهدین در درگیری‌ها، به تدریج در میان اعضای باقی‌مانده، کار سیاسی، جایگزین مثنی نظامی گردید.

منابع:

- ۱- مؤسسه مطالعات، سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام
- ۲- فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب
- ۳- جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران
- ۴- میلانی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی
- ۵- احمدی، سازمان مجاهدین خلق ایران

اعلام موجودیت کرد.

برخی از اعضای بازمانده سازمان در سال ۱۳۵۴، به عنوان سازمان دانشجویان مسلمان ایرانی در آمریکا، جزوهای با عنوان «گامی فراتر در افشای منافقین»، منتشر و ماهیت منافقانه تقی شهرام و دوستان وی را شرح دادند. این نخستین باری بود که به‌شماره از اعضای سازمان لقب «منافق» داده شد.

افشای ترورهای درون‌سازمانی و تشکیلاتی در این مرحله، موجب بهره‌برداری تبلیغاتی وسیع رژیم و پخش مصاحبه‌های تکان‌دهنده از عوامل این ترورها شد.

بسیاری از اعضای زندانی سازمان نیز تحت تأثیر فضای خارج از زندان، به اندیشه‌های مارکسیستی گرویدند؛ اما موسی خیابانی و مسعود رجوی که در آن مقطع رهبری اعضای زندانی را بر عهده داشتند، مصمم شدند با توجه به جایگاه مذهب و روحانیت در میان مردم و برای جلوگیری از تضعیف سازمان، مانع گسترش

در مهر ۱۳۵۴، با انتشار بیانیه هزار صفحه‌ای اعلام مواضع ایدئولوژیک، تغییر ایدئولوژی در سازمان جنبه رسمی یافت و سازمان با مواضع ایدئولوژیک مارکسیستی اعلام موجودیت کرد.

این خبر شونند و همچنان با تظاهر به اسلام از منابع مالی و انسانی نیروهای مذهبی، بهره ببرند و این برخورد متظاهرانه را راه‌کاری برای حفظ تشکیلات و سازمان در آن شرایط می‌دانستند. در واکنش به این امر، برخی علمای حاضر در زندان، مانند سید محمود طالقانی، حسینعلی منتظری، عبدالرحیم ربانی شیرازی، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد رضا مهدوی کنی، محی‌الدین انواری، محمدعلی گرامی و عبدالمجید معادیخواه در اواخر اسفند ۱۳۵۴ اعلام کردند برای جلوگیری از زیان ارتباط با اعضای سازمان مجاهدین خلق، جدایی مسلمان‌ها از مارکسیست‌ها در



عملکرد منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی عنایت اسلام به آزادی را بیش از هر چیز دیگر دانست و خاطرنشان کرد در اسلام، امری که بر خلاف آزادی باشد، جز آنچه با عفت عمومی ناسازگار است، وجود ندارد.

از آنان خواست سلاح‌های خود را بر زمین گذارند و سلاح‌های زیادی که از پادگان‌ها برده‌اند، تحویل دهند و ساختمان‌های دولتی را تخلیه کنند.

روبارویی با نظام اسلامی

سازمان مجاهدین خلق در آذر ۱۳۵۸ در همه‌پرسی قانون اساسی شرکت نکرد در انتخابات ریاست جمهوری (آذر ۱۳۵۸)، رجوی نامزد سازمان معرفی شد. اما پس از اعلام نظر امام خمینی مبنی بر عدم صلاحیت کسانی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده‌اند، رجوی کناره‌گیری کرد ولی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۵۸ شرکت کرد. که رای نیابرد. با شکست سازمان در صحنه سیاسی برای دستیابی به قدرت، این هدف، با تبلیغات گسترده علیه نظام و اقدامات مسلحانه پی‌گیری شد.

درگیری و شورش‌های خیابانی مجاهدین خلق در نقاط مختلف که از خرداد ۱۳۵۸ آغاز شد و ادامه یافت، موجب شد امام خمینی ضمن مشکل شمردن موضع‌گیری در برابر کسانی که در ظاهر، اعلام دوستی می‌کنند و در باطن، ضربه می‌زنند، خطر اسلام‌شناسان بیگانه از اسلام را گوشزد کند و تفسیر و برداشت آنان از قرآن را تفسیر به رای شمرد. ایشان با غیر قابل

سازمان مجاهدین خلق در آذر ۱۳۵۸ در همه‌پرسی قانون اساسی شرکت نکرد در انتخابات ریاست جمهوری (آذر ۱۳۵۸)، رجوی نامزد سازمان معرفی شد. اما پس از اعلام نظر امام خمینی مبنی بر عدم صلاحیت کسانی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده‌اند، رجوی کناره‌گیری کرد

اعتماد سازمان، در سال ۱۳۵۸ عنوان «منافقین» را برای آنان و دیگر گروه‌های مسلمانی که در نظر و عمل، تحت تأثیر مارکسیسم بودند، برگزید به این ترتیب، نام منافقین که از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵ به بخش مارکسیست شده سازمان گفته می‌شد، برای کل سازمان به کار رفت.

سازمان برای پیشبرد اهداف خود، با سوء استفاده از اختلاف سید ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت و حزب جمهوری اسلامی به حمایت گسترده از بنی‌صدر پرداخت و در پناه یک مقام حکومتی، علیه سایر نهادهای نظام، فعالیت کرد. امام خمینی این حمایت را حربه‌ای برای جداساختن دولت و ملت و رئیس‌جمهور از یکدیگر خواند. اوج این حمایت‌ها در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در مراسم بزرگداشت محمد مصدق، هنگام سخنرانی بنی‌صدر در دانشگاه تهران رخ داد و در نهایت به درگیری شدید مخالفان و موافقان بنی‌صدر که به‌طور عمده از شبه‌نظامیان سازمان بودند، انجامید پس از رویداد ۱۴ اسفند و شدت یافتن درگیری‌ها، سازمان از بهار

سران سازمان مجاهدین خلق که از شهریور ۱۳۵۰ در زندان بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد شدند گروهی از آنان که به مارکسیسم گرایش بیشتری داشتند، سازمان «بیکار در راه آزادی طبقه کارگر» را تأسیس کردند و بقیه تحت رهبری رجوی، با مواضع و تفسیرهای چپ‌گرایانه و افراطی از اسلام، در صدد احیای سازمان و جذب اعضای جدید برآمدند. این سازمان در مواجهه با انقلاب اسلامی، سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفت؛ از یک سو با استفاده از فرصت به دست آمده، در صدد تربیت نیروی شبه‌نظامی با نام «میلشیا» و انتشار نشریه «مجاهد»، به تجهیز، سازماندهی و افزایش سطح توانایی نظامی و تبلیغاتی خود پرداختند و از سوی دیگر، در صدد برآمد با مشارکت فعال در عرصه سیاسی، از امکانات قانونی و زمینه سیاسی برای دستیابی به سطوح بالای قدرت، بیشترین بهره را ببرد.

سازمان میان دانشجویان، دانش‌آموزان و کارمندان، در نهادهای حساس و تعیین‌کننده‌ای چون دادگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، و... نفوذ کرد و تلاش کرد با استفاده از وضعیت اوایل انقلاب و با طرح شعارهای مترقی و تند، خود را یگانه نماینده اسلام حقیقی و پیشرو معرفی کند.

سازمان میان دانشجویان، دانش‌آموزان و کارمندان، در نهادهای حساس و تعیین‌کننده‌ای چون دادگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، و... نفوذ کرد و تلاش کرد با استفاده از وضعیت اوایل انقلاب و با طرح شعارهای مترقی و تند، خود را یگانه نماینده اسلام حقیقی و پیشرو معرفی کند. و با تأکید بر شعارهای تند، چاپ و تکثیر گسترده، زندگی‌نامه‌ها و شرح شکنجه‌ها، به جذب نیرو می‌پرداخت. نشریات سازمان، با نشر سخنرانی‌های برانگیزاننده، اعلامیه‌های سیاسی نظامی، آماده‌باش‌های مختلف، آموزش‌های نظامی، تظاهرات و درگیری‌ها و فراخواندن به خانه‌های تیمی، در ایجاد این فضای هیجانی و انگیزه قوی در اعضا کمک می‌کردند. نخستین اجتماع عمومی سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۳۵۷/۱۲/۵ در دانشگاه تهران با تأکید بر انحلال ارتش و حمایت از تحریکات سیاسی-نظامی جدایی‌طلبانه در کردستان، برگزار شد.

نخستین اجتماع عمومی سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۳۵۷/۱۲/۵ در دانشگاه تهران با تأکید بر انحلال ارتش و حمایت از تحریکات سیاسی-نظامی جدایی‌طلبانه در کردستان، برگزار شد.

در دیدار رهبران سازمان با امام خمینی، ایشان عنایت اسلام به آزادی را بیش از هر چیز دیگر دانست و خاطرنشان کرد در اسلام، امری که بر خلاف آزادی باشد، جز آنچه با عفت عمومی ناسازگار است، وجود ندارد. در این دیدار، به نقل از خیابانی، به سران این گروه هشدار داد در صورت حرکت در مسیری خارج از اسلام، علیه آنان موضع خواهد گرفت، همچنین

مؤسسان حزب جمهوری اسلامی در ۶ تیر ۱۳۶۰، بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ و کشتن بیش از هفتاد تن از مسئولان کشور و اعضای حزب از جمله سیدمحمد حسینی بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، انفجار ساختمان نخست وزیری و شهادت محمدعلی رجایی (رئیس جمهور) و محمدجواد باهنر (نخست وزیر) در ۸ شهریور همان سال اشاره کرد

مخفیگاه اصلی زیرزمینی سازمان در زعفرانیه تهران شناسایی شد و اطلاعات سپاه و دادستانی انقلاب در ۱۳۶۰/۱۱/۱۹، توانست با حمله به این پایگاه، تشکیلات داخلی سازمان را متلاشی کند

امام خمینی از مردم خواست هر خبری از خانه‌های تیمی سازمان دارند، به نهادهای مسئول برسانند تا مسئله هر چه زودتر تمام شود. به دنبال این موضوع با کمک مردم و نیروهای امنیتی، مخفیگاه اصلی زیرزمینی سازمان در زعفرانیه تهران شناسایی شد و اطلاعات سپاه و دادستانی انقلاب در ۱۳۶۰/۱۱/۱۹، توانست با حمله به این پایگاه، تشکیلات داخلی سازمان را متلاشی کند طی این حمله، موسی خیابانی نفر دوم سازمان و مسئول داخل کشور به همراه شماری از اعضای کادر کشته شدند و در نتیجه، سازمان در سطح سیاسی و تشکیلاتی با بحران جدی روبه‌رو شد.

منابع:

- ۱- صحیفه نور امام خمینی
- ۲- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب
- ۳- فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب
- ۵- جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران
- ۶- نوذری، تاریخ احزاب سیاسی در ایران

۱۳۶۰ خود را آماده شورش مسلحانه علیه نظام اسلامی کرد که برای مسئولان نظام، قابل پیش‌بینی بود.

سازمان برای پیشبرد اهداف خود، با سوء استفاده از اختلاف سیدابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت و حزب جمهوری اسلامی به حمایت گسترده از بنی‌صدر پرداخت و در پناه یک مقام حکومتی، علیه سایر نهادهای نظام، فعالیت کرد.

اعلان رسمی مبارزه مسلحانه با نظام اسلامی

پس از آنکه امام خمینی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ بنی‌صدر را از فرماندهی نیروهای مسلح عزل کرد و عدم کفایت وی در دستور کار مجلس قرار گرفت، سازمان مجاهدین خلق در ۱۳۶۰/۳/۲۸، طی اطلاعیه‌ای به صورت رسمی، مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را اعلام و عصر ۳۰ خرداد، در تهران و چند شهر بزرگ، حرکت نظامی خود را با بستن خیابان‌ها و تظاهرات درگیری آغاز کرد. امام خمینی از مردم خواست با وجود اعلام مواضع سازمان که اساس جمهوری اسلامی را با خطر مواجه کرده، به مقابله با توطئه گران برخیزند.

شورش ۳۰ خرداد، موجب ضربه به سازمان، شناسایی پی‌درپی امکانات و اعضای آن به دست مردم، و زندگی مخفی افراد سازمان شد.

شورش ۳۰ خرداد، موجب ضربه به سازمان، شناسایی پی‌درپی امکانات و اعضای آن به دست مردم، و زندگی مخفی افراد سازمان شد. پس از آن سازمان دست به اقدامات تروریستی گسترده‌ای زد که از آن جمله می‌توان به ترور نافرجام سیدعلی خامنه‌ای، امام‌جمعه تهران، نماینده مجلس و عضو برجسته و از



فعالیت‌های منافقین پس از خروج از ایران

ساعت ده صبح چهارشنبه هفتم مرداد ۱۳۶۰ خبر فرار یک هواپیمای بوئینگ سوخت‌رسانی نظامی از فرودگاه تهران، منتشر شد. خلبان این هواپیما سرهنگ معزی، خلبان مخصوص محمدرضا پهلوی و مسافران آن مسعود رجوی و سیدابوالحسن بنی‌صدر

ساعت ده صبح چهارشنبه هفتم مرداد ۱۳۶۰ خبر فرار یک هواپیمای بوئینگ سوخت‌رسانی نظامی از فرودگاه تهران، منتشر شد. خلبان این هواپیما سرهنگ معزی، خلبان مخصوص محمدرضا پهلوی و مسافران آن مسعود رجوی و سیدابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور معزول ایران بودند

و وحدت بیشتر ملت در مقابل مخالفان تأکید کرد. رجوی پس از خروج از ایران، طی بیش از سه سال، سازمان را از یک تشکیلات سیاسی مذهبی، به فرقه‌ای مذهبی مافیایی فروکاست. ازدواج او با مریم قجر عضدانلو، همسر مهدی ابریشم‌چی به فاصله دو تا

سه روز پس از طلاق وی، بدون گذراندن عده شرعی، در ۳۰ خرداد ۱۳۶۴، و ده سال پس از تغییر ایدئولوژی به عنوان انقلاب یا ارتقای ایدئولوژیک و معرفی رهبری دو نفره، نشان داد این ایدئولوژی در اساس

خود آماده زیر پا گذاشتن صریح‌ترین احکام اسلامی بود. پس از این انقلاب ایدئولوژیک، نظام کار شورایی به‌طور رسمی و با اعلام علنی، از میان رفت و رهبری نوین مصون از اشتباه و بازخواست شد.

سازمان مجاهدین خلق همچنین پس

از خروج از ایران، برای جلب حمایت‌های بین‌المللی، با زیرپا گذاشتن اصول و ارزش‌های اولیه خود، به معامله و ارتباط اطلاعاتی با سرویس‌های

جاسوسی غرب پرداخت و توانست در اروپا به‌ویژه فرانسه، مستقر شود. اما انتقاد امام‌خیمینی از دولت فرانسه به سبب پذیرفتن اعضای سازمان و بهبود روابط ایران با فرانسه از ۱۳۶۳ به بعد، منجر به اخراج آنان از فرانسه و مهاجرت کامل به عراق شد. رجوی پس از امضای معاهده‌ای

با طارق عزیز (معاون نخست‌وزیر وقت عراق)، در ۱۳۶۵/۳/۱۷ وارد بغداد شد و یک هفته بعد در ۱۳۶۵/۳/۲۵،

برای تشکر به دیدار صدام حسین رفت. به تدریج نیروهای نظامی سازمان در قرارگاه‌های تشکیلاتی، سازماندهی شده،

اطلاعات جبهه‌ها و تحرکات نظامی ایران و شنود بی‌سیم ارتش ایران را در اختیار عراق قرار می‌دادند. سازمان در سال ۱۳۶۶ با تشکیل سازمانی نظامی با عنوان «ارتش آزادی‌بخش

ملی» سلسله عملیاتی را در طول مرزهای ایران با حمایت ارتش عراق انجام داد که تلفات جانی و تسلیحاتی

همکاری بنی‌صدر و رجوی اعلام شد که از مرداد تا دی ۱۳۶۰، سازمان‌ها و افراد ضد نظام اسلامی به آن پیوستند طبق سند «برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران»

که در ۱۳۶۰/۷/۵ به امضای بنی‌صدر و رجوی رسید، رجوی به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت (در تبعید) انتخاب و محل استقرار شورا نیز فرانسه تعیین شد. وحدت سازمان با بنی‌صدر در این مقطع که به ازدواج رجوی با فیروزه، دختر بنی‌صدر

نیز منجر شد، مبتنی بر بهره‌برداری از شهرت تبلیغاتی و ارتباطات قدیمی وی برای شکل‌گیری و تثبیت شورا بود. همچنین سازمان برای خروج نیروهای خود از راه کردستان، با احزاب دموکرات و کومله، دست وحدت و دوستی داد.

سال ۱۳۶۱ پس از آنکه در داخل ایران به دلیل آمادگی نیروهای نظامی و اطلاعاتی، کمترین تحرک برای نیروهای سازمان، طاقت فرسا و خطر آفرین شد، دستور خروج نیروها

از کشور از دو مسیر تهران - کردستان - ترکیه - عراق و تهران - اقلید - بافق - زاهدان - پاکستان صادر شد.

بسیاری از اعضای این سازمان پس از خروج از ایران، وارد عراق شدند و به همکاری با رژیم بعث در زمینه‌های اطلاعاتی، تبلیغاتی و نظامی علیه ایران پرداختند چنان‌که با پیگیری خط ترور در داخل کشور، حوادث دیگری رقم زدند که از جمله آنها، به شهادت رساندن محمد

صدوقی (امام‌جمعه یزد) در ۱۳۶۱/۴/۱۱ انفجار بمب در خیابان ناصر خسرو در مهر ۱۳۶۱ و ترور عطاءالله اشرفی

وحدت سازمان با بنی‌صدر در این مقطع که به ازدواج رجوی با فیروزه، دختری بنی‌صدر نیز منجر شد، مبتنی بر بهره‌برداری از شهرت تبلیغاتی و ارتباطات قدیمی وی برای شکل‌گیری و تثبیت شورا بود.

سازمان مجاهدین خلق همچنین پس از خروج از ایران، برای جلب حمایت‌های بین‌المللی، با زیرپا گذاشتن اصول و ارزش‌های اولیه خود، به معامله و ارتباط اطلاعاتی با سرویس‌های جاسوسی غرب پرداخت و توانست در اروپا به‌ویژه فرانسه، مستقر شود.

رجوی پس از امضای معاهده‌ای با طارق عزیز (معاون نخست‌وزیر وقت عراق)، در ۱۳۶۵/۳/۱۷ وارد بغداد شد و یک هفته بعد در ۱۳۶۵/۳/۲۵، برای تشکر به دیدار صدام حسین رفت.

عملیات ویژه، وابستگی نظامی و تجهیزاتی سازمان به رژیم عراق را نشان داد که یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های یادشده، عملیات مرصاد بود.

پس از پایان جنگ و در جریان جنگ خلیج فارس نیز، سازمان با عنوان بخشی از ارتش عراق، به سرکوب مردم عراق در مناطق کردنشین پرداخت و در سال‌های

بعد برای جلب حمایت‌های سیاسی - نظامی برخی کشورهای غربی و ادامه خیانت به امنیت ملی و توسعه کشور، تلاش کرد با فضاسازی

و اطلاع‌رسانی غیر واقعی، جامعه جهانی را به برنامه هسته‌ای ایران بی‌اعتماد سازد.

سازمان با دراختیارداشتن بهترین امکانات برای جاسوسی و تخلیه اطلاعات از راه تلفن، جمع‌آوری اطلاعات جبهه و جنگ در مناطق مرزی را وظیفه اصلی پایگاه‌های مختلف خود تعیین کرده بود.

چشمگیری به ایران وارد کرد. نیروهای سازمان که به دلیل ایرانی‌بودن، توان عملیات فریب را داشتند، به‌سرعت، به یگان ویژه با توانایی اختصاصی در ارتش عراق، تبدیل شدند. امام خمینی در برابر این اعمال سازمان که خود را ایرانی می‌خواندند، آنها را جاسوس رژیم عراق خواند. این سازمان با دراختیارداشتن

بهترین امکانات برای جاسوسی و تخلیه اطلاعات از راه تلفن، جمع‌آوری اطلاعات جبهه و جنگ در مناطق مرزی

را وظیفه اصلی پایگاه‌های مختلف خود تعیین کرده بود. انتشار اسناد مربوط به مذاکرات سرری رجوی و سازمان امنیت عراق، نقش سازمان در سرکوب مردم عراق و اجرای چندین

پس از پایان جنگ و در جریان جنگ خلیج فارس نیز، سازمان با عنوان بخشی از ارتش عراق، به سرکوب مردم عراق در مناطق کردنشین پرداخت



بهزاد معزی

عملیات مرصاد (فروغ جاویدان)

به سامانی نداشت، با ورود نیروهای هوایی عراق، چندین عملیات ایذایی علیه ایران انجام داد یکی از مهم ترین اقدامات سازمان، عملیاتی بود که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، در تیر ۱۳۶۷ انجام شد و سازمان آن را «عملیات فروغ جاویدان» نامید. سازمان که اقدام ایران در پذیرش قطعنامه را نشانه ضعف و بن بست کامل سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می کرد، طرح عملیات مشترک با ارتش بعث عراق را با هدف براندازی نظام در ۱۳۶۷/۵/۳

سرهنگ علی صیاد شیرازی که از سوی شورای عالی دفاع به عنوان فرمانده عملیات تعیین شده بود شبانه به کرمانشاه رفت و با انجام عملیات شناسایی و طراحی عملیات مرصاد در زمین و هوا، موفق شد در مراحل اولیه عملیات، شکست سختی به منافقین وارد کند که به آزادسازی کامل اسلام آباد منجر شد.

شرایط ویژه این عملیات که نیروهای سازمان را در کمینگاه غافلگیر کرده بود، و نیز در پاسخ به نام فروغ جاویدان، نام مرصاد بر این عملیات گذاشته شد.

پاکسازی منطقه پس از عملیات، به کمک نیروهای مردمی انجام شد در پایان عملیات، مقادیر زیادی سلاح و تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی و نیز اسناد درون گروهی سازمان به غنیمت رزمندگان درآمد. شکست قاطع عراق و سازمان در دو جبهه جنوب و غرب به صورت هم زمان، موجب تغییر سرنوشت جنگ به سود جمهوری اسلامی ایران شد و صدام حسین، تنها ده روز پس از عملیات مرصاد، آتش بس را پذیرفت.

مسعود رجوی در ۱۸ مرداد ۱۳۶۸ در نشست توجیهی و جمع بندی در پایگاه اشرف، دلیل شکست سازمان در این عملیات را نه در ناتوانی نیروها و اشتباه خود در محاسبه

نیروها در مسیر حرکت خود به ویژه اسلام آباد، مرتکب جنایت های بسیاری شدند؛ از جمله تمام نیروهای پاسدار و بسیجی بستری در بیمارستان را سر بردند و سیزده تن از نیروهای جهاد سازندگی را نیز تیرباران کردند.

و سیزده تن از نیروهای جهاد سازندگی را نیز تیرباران کردند. پس از انتشار نخستین اطلاعیه نظامی عراق و تأیید تصرف شهرهای کرد و اسلام آباد، رادیو سازمان خطاب به مردم کرمانشاه اعلام کرد نیروهای سازمان در حال پیشروی به سمت این شهر هستند و از مردم شهر خواست به این نیروها پیوندند.

نیروهای متجاوز سازمان در سی کیلومتری کرمانشاه، در گردنه چارزبر - که بعدها به تنگه مرصاد معروف شد - با مقاومت رزمندگان مواجه و متوقف شدند. با وجود تلاش عراق در به هم زدن تمرکز نیروهای ایران از منطقه غرب، بلافاصله پس از آگاهی نیروهای ایران از این توطئه، سرهنگ علی صیاد شیرازی که از سوی شورای عالی دفاع به عنوان فرمانده عملیات تعیین شده بود شبانه به کرمانشاه رفت و با انجام عملیات شناسایی و طراحی عملیات مرصاد در زمین و هوا، موفق شد در مراحل اولیه عملیات، شکست سختی به منافقین وارد کند که به آزادسازی

نیروهای متجاوز سازمان در سی کیلومتری کرمانشاه، در گردنه چارزبر - که بعدها به تنگه مرصاد معروف شد. با مقاومت رزمندگان مواجه و متوقف شدند.

کامل اسلام آباد منجر شد. در این عملیات که با فرماندهی سپاه پاسداران، پشتیبانی هوایی ارتش و با حضور گسترده مردم اجرا شد، رزمندگان از سه محور چارزبر، جاده قلاجه و جاده اسلام آباد - پل دختران وارد عمل شدند و در دو مرحله نیروهای سازمان را سرکوب کردند.

یکی از مهم ترین عوامل موفقیت رزمندگان در این عملیات، موقعیت جغرافیایی تنگه چارزبر بود که کمینگاه خوبی برای مدافعان و قتلگاه مهاجمان بود. اعضای سازمان از آغاز ورود به این تنگه، زمین گیر شدند و در شرایطی که ستون رزمی سازمان، اوضاع

منافقین (سازمان مجاهدین خلق) برای اثبات خود و جلب حمایت غرب و رژیم بعث عراق، چندین عملیات ایذایی علیه ایران انجام داد یکی از مهم ترین اقدامات سازمان، عملیاتی بود که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، در تیر ۱۳۶۷ انجام شد و سازمان آن را «عملیات فروغ جاویدان» نامید. سازمان که اقدام ایران در پذیرش قطعنامه را نشانه ضعف و بن بست کامل سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می کرد، طرح عملیات مشترک با ارتش بعث عراق را با هدف براندازی نظام در ۱۳۶۷/۵/۳

امضای پیمان صلح میان ایران و عراق، براندازی جمهوری اسلامی ایران، و اعلام دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در باختران و سپس تهران، مهم ترین اهداف اعلام شده سازمان در این عملیات بود.

از طریق سرپل ذهاب به طرف شهر کردند، با پانزده هزار تن که از جمله از کشورهای اروپایی بسیج شده بودند، آغاز کرد.

این نیروها با فرماندهی رجوی در قالب ۲۵ تیپ رزمی، با تجهیزات نظامی زیاد، سازماندهی شده بودند. امضای پیمان صلح میان ایران و عراق، براندازی جمهوری اسلامی ایران، و اعلام دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در باختران و سپس تهران، مهم ترین اهداف اعلام شده سازمان در این عملیات بود. نیروهای سازمان در سوم مرداد ۱۳۶۷، وارد خاک ایران شدند و با پشتیبانی عراق، پس از عبور بدون درگیری از قصر شیرین، سرپل ذهاب و کردند، وارد اسلام آباد شدند و آن را

نیروها در مسیر حرکت خود به ویژه اسلام آباد، مرتکب جنایت های بسیاری شدند؛ از جمله تمام نیروهای پاسدار و بسیجی بستری در بیمارستان را سر بردند و سیزده تن از نیروهای جهاد سازندگی را نیز تیرباران کردند.

تصرف کردند. این نیروها در مسیر حرکت خود به ویژه اسلام آباد، مرتکب جنایت های بسیاری شدند؛ از جمله تمام نیروهای پاسدار و بسیجی بستری در بیمارستان را سر بردند

که مرکزیت آنها باقی است، تمام اعضا و هواداران آن که موضع آن گروه یا سازمان را می دانند و به گونه ای در پیشبرد اهداف آن، تلاش مؤثر دارند، اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند، محاربند.

محکومیت این عملیات از سوی دیگر گروه های مخالف جمهوری اسلامی ایران، از پیامدهای مهم عملیات فروغ جاویدان برای سازمان مجاهدین خلق بود.

از این رو امام خمینی طی نامه ای در مرداد ۱۳۶۷، اعلام کرد اعضای زندانی که بر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند، محارب و محکوم به اعدام هستند. تشخیص موضوع نیز بر عهده دادستان، قاضی و نماینده اطلاعات هر منطقه گذاشته شد. به تبعیت از این حکم فقهی، افرادی که بر موضع طرفداری و وابستگی خود پافشاری داشتند، اعدام شدند.

اعضای زندانی که بر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند، محارب و محکوم به اعدام هستند.

عنصر سیاسی در کنار کار نظامی، جایگاه ویژه یافت.

هم زمان با حمله مسلحانه سازمان به جمهوری اسلامی ایران، برخی نیروها و طرفداران زندانی که به صورت تاکتیکی اعلام توبه کرده بودند، برای همراهی با فاتحین جنگ اعلام آمادگی و حتی شورش کردند تا به زعم خود با رسیدن نیروهای این سازمان به تهران، فرایند اشغال تهران را کامل و کار را یکسره کنند. براساس حکم فقهی بغی و محاربه، جهاد

نام «مرصاد» از واژه قرآنی به معنای کمینگاه گرفته شده بود و به دلیل شرایط ویژه این عملیات که نیروهای سازمان را در کمینگاه غافلگیر کرده بود، و نیز در پاسخ به نام فروغ جاویدان، نام مرصاد بر این عملیات گذاشته شد.

با باغیان و محاربین که بر حاکم اسلامی خروج کنند و اقدام عملی و براندازانه داشته باشند، واجب شمرده شده است، نیز طبق ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی، قیام مسلحانه کند، مادام

عملیات که با فرماندهی سپاه پاسداران، پشتیبانی هوانبروز ارتش و با حضور گسترده مردم اجرا شد، رزمندگان از سه محور چارزبر، جاده قلاجه و جاده اسلام آباد، پل دختران وارد عمل شدند و در دو مرحله نیروهای سازمان را سرکوب کردند.

توان نظامی ایران و، بلکه در نداشتن بینش توحیدی پرسنل نظامی سازمان، ارزیابی کرد و برای تبرئه خود، مسئولیت این شکست را به گردن نیروها و فرماندهان سازمان انداخت که موجب زیر سؤال رفتن سازمان و رهبری آن و ریزش نیرو در سازمان شد، همچنین محکومیت این عملیات از سوی دیگر گروه های مخالف جمهوری اسلامی ایران، از پیامدهای مهم عملیات فروغ جاویدان برای سازمان مجاهدین خلق بود. پس از این عملیات، امکان بسیج نیرو از این سازمان سلب شد و با تغییرات جدی در تاکتیک سازمان،

ورود هواپیماهای عراقی به صحنه جنگ، موجب قوت قلب نیروهای سازمان و حرکت دوباره آنها به سمت تنگه شد؛ ولی این حملات نیز با شکست و عقب نشینی همراه بود.



عملکرد سازمان مجاهدین خلق در جنگ تحمیلی

است؛ در واقع سازمان در این مقطع، با اتخاذ استراتژی جنگ جبهه‌بی یا آزادی‌بخش در صدد بود تا ضمن کسب حمایت خارجی و استفاده از فرصت جنگ ایران و عراق، زمینه‌های دستیابی سریع خود به قدرت را فراهم کند.

مهم‌ترین خدمات سازمان مجاهدین خلق به عراق (الف) اقدامات نظامی سازمان در جنگ بر علیه ایران:

با ملاقات رجوی با صدام و در طول حضور سازمان در عراق، نیروهای نظامی سازمان با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق سلسله عملیات‌هایی را علیه نیروهای ایران در مناطقی مانند سردشت، دهلران، مریوان،

با ملاقات رجوی با صدام و در طول حضور سازمان در عراق، نیروهای نظامی سازمان با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق سلسله عملیات‌هایی را علیه نیروهای ایران در مناطقی مانند سردشت، دهلران، مریوان، سرپل ذهاب، جنوب بانه و ارتفاعات کرمانشاه اجرا کردند. در این عملیات‌ها تلفات جانی و تسلیحاتی فراوانی به برخی یگان‌ها و پایگاه‌های پراکنده نیروهای نظامی ایران وارد شد. بر اساس آمار، این عملیات‌ها برای سازمان یک موفقیت محسوب می‌شد و با طراحی و خواست ارتش عراق و در قالب برنامه‌های جنگی حکومت صدام سیر صعودی داشت

(ب) فعالیت‌ها و خدمات سازمان به عراق:

اجرای عملیات‌های خراب‌کاری و ترور در داخل ایران به ویژه ترور رزمندگان و فرماندهان نظامی ایران؛ جاسوسی از فعالیت‌های نظامی ایران؛ جزو تعهدات سازمان به صدام بود همچنین با به راه انداختن تبلیغات و شایعات ضد ایرانی از طریق رادیوی این سازمان در عراق در صدد تضعیف اراده و کاهش حمایت عمومی از جبهه‌های نبرد بودند

(پ) جاسوسی به نفع عراق:

نیروهای سازمان برای جمع‌آوری و انتقال اطلاعات به ارتش بعثی به صورت گسترده فعالیت می‌کرده‌اند و این اقدامات نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های نظامی دشمن داشته است. محمدحسین سبحانی مسئول اطلاعات و امنیت سازمان مجاهدین خلق می‌گوید استخبارات عراق از طریق مهدی ابریشم‌چی، پرسش‌های اطلاعاتی ارتش عراق را در مورد شناسایی محل پل‌ها، تأسیسات آب و برق، کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی و نظامی ایران با سازمان مطرح می‌کرده و ستاد اطلاعات سازمان پس از انجام دادن کار اطلاعاتی، پاسخ‌ها را تهیه کرده و در اختیار آنان می‌گذاشت

نیروهای سازمان برای جمع‌آوری و انتقال اطلاعات به ارتش بعثی به صورت گسترده فعالیت می‌کرده‌اند و این اقدامات نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های نظامی دشمن داشته است.

(ت) ایجاد شبکه شنود در جبهه‌ها:

تخلیه تلفنی یا کسب اطلاعات یک روش آسان، ارزان و بی‌خطر

مسعود رجوی در خرداد ۱۳۶۵ با طارق عزیز، به بغداد رفت. و با صدام دیدار کرد پس از اعلام رسمی حضور کامل سازمان در عراق

مسعود رجوی در خرداد ۱۳۶۵ با طارق عزیز، به بغداد رفت. و با صدام دیدار کرد پس از اعلام رسمی حضور کامل سازمان در عراق سازمان خدمت به ارتش عراق را در بالاترین سطح ممکن انجام داد

سازمان خدمت به ارتش عراق را در بالاترین سطح ممکن انجام داد سران سازمان بر این بودند که عراق مرزهای زمینی طولانی‌ای با ایران دارد، پس بهترین و آسان‌ترین راه برای نفوذ عناصر سازمان به ایران به شمار می‌آمد؛ علاوه بر این، سازمان می‌توانست با استفاده از کمک‌های مالی و تسلیحاتی فراوان عراق، توان مبارزاتی خود در برابر جمهوری اسلامی را تا حد زیادی افزایش دهد.

دولت عراق نیز با استفاده از عناصر و هواداران سازمان در ایران، اقدام به اجرای عملیات‌های خرابکارانه، کسب اطلاع از اوضاع داخلی ایران و ترور شخصیت‌های تأثیرگذار کرده و تلاش داشتند در نهایت اراده، پشتیبانی و مشارکت عمومی در جنگ را در بین ایرانیان تضعیف کند

ورود رجوی به عراق، مصادف شده بود با موفقیت‌های ایران در جنگ از جمله عملیات والفجر ۸ (شروع ۲۰ بهمن ۱۳۶۴)، و تصرف، شبه‌جزیره فاو در ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی بصره. و سازمان مجاهدین خلق در قالب نیرویی کمکی، تا حدودی در صدد برطرف کردن ضعف‌های نظامی عراق در آن مقطع بود و از این دیدگاه نیز می‌توان دلایل استقبال سردمداران بعثی از ورود و استقرار رجوی در عراق و حمایت‌های مادی و نظامی صدام از تحرکات ضد ایرانی سازمان را مورد بررسی قرار داد.

دستگاه‌های اطلاعاتی عراق،

به خوبی از سابقه خیانت پیشه سازمان، توان تشکیلاتی، تجربه رزمی و اطلاعاتی آن آگاهی داشتند لذا، صدام سازمان را مهره‌ای قابل اعتماد و کارآمد برای دستیابی به اهداف ماشین جنگی خود می‌پنداشت؛ افزون بر این صدام بهره‌برداری تبلیغاتی از نام سازمان را نیز مدنظر خود قرار داده بود.

مهم‌ترین عاملی که موجب

شد سازمان سرنوشت خود را با

حکومت عراق پیوند دهد این بود که سران سازمان تصور می‌کردند سرنوشت نظام جمهوری اسلامی با جنگ گره خورده است و با توجه به پشتیبانی ابرقدرت‌ها از صدام ایران شکست می‌خورد و زمینه براندازی نظام جمهوری اسلامی فراهم است. رجوی تأکید داشت که از طریق مرزهای عراق به دنبال آزادسازی کشور خود (یعنی ایران)

دولت عراق نیز با استفاده از عناصر و هواداران سازمان در ایران، اقدام به اجرای عملیات‌های خرابکارانه، کسب اطلاع از اوضاع داخلی ایران و ترور شخصیت‌های تأثیرگذار کرده و تلاش داشتند در نهایت اراده، پشتیبانی و مشارکت عمومی در جنگ را در بین ایرانیان تضعیف کند

و استحکامات، زمان اجرای عملیات و... توسط اعضای ارشد سازمان از جمله مهدی ابریشم‌چی در اختیار نیروهای بعثی قرار می‌گرفت که این اطلاعات نقش مهمی در آمادگی عراقی‌ها برای مقابله با حمله نیروهای خودی داشت.

(د) بازجویی از اسیران ایرانی:

علی اکبر راستگو، عضو عالی رتبه سازمان در کتابش نوشته: یکی از اقدامات نیروهای سازمان کسب اطلاعات از نیروهای اسیر ایرانی بود افراد سازمان در تخلیه اطلاعاتی اسرا بهتر از نیروهای عراقی عمل می‌کردند. آن‌ها با شکنجه اسیران، اخبار و اطلاعاتشان را تا حد امکان تخلیه و به سرویس اطلاعاتی ارتش عراق منتقل می‌کردند.

یکی از اقدامات نیروهای سازمان کسب اطلاعات از نیروهای اسیر ایرانی بود افراد سازمان در تخلیه اطلاعاتی اسرا بهتر از نیروهای عراقی عمل می‌کردند.

منابع:

سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام
نقش سازمان مجاهدین خلق، رضا بسطامی
مجاهدین خلق در آینه تاریخ، علی اکبر راستگو
آغاز تا پایان، محمد درودیان
حملات تهران علیه مخالفان در عراق، جمال حسینی
روزهای تاریک بغداد، محمد حسین سبحانی

برای جاسوسی است. این روش با استفاده از تکنیک‌های گوناگون فرد را تخلیه اطلاعاتی می‌کردند.

به دستور صدام، بهترین امکانات تخلیه تلفنی در اختیار سازمان قرار گرفت؛ تخلیه تلفنی و جمع‌آوری اطلاعات از جبهه‌های جنگ، یکی از وظایف اصلی مقرهای سازمان در مناطق هم‌جوار با ایران به شمار می‌آمد. راه‌اندازی شبکه ارتباطی بین مقرهای سازمان در عراق، نقش مؤثری در انتقال سریع اطلاعات به دست آمده از طریق جاسوسی و تخلیه تلفنی به سرویس اطلاعاتی عراق داشت

به دستور صدام، بهترین امکانات تخلیه تلفنی در اختیار سازمان قرار گرفت؛ تخلیه تلفنی و جمع‌آوری اطلاعات از جبهه‌های جنگ، یکی از وظایف اصلی مقرهای سازمان در مناطق هم‌جوار با ایران به شمار می‌آمد.

منافقین از ابتدای جنگ با استفاده از تجهیزات اهدائی صدام و سرقت بی‌سیم از نیروهای مسلح در خانه‌های تیمی در آبادان و سایر مناطق مرزی اقدام به شنود مکالمات واحدهای نظامی کشور می‌کردند. در شنود مکالمات بی‌سیمی منافقین اطلاعات ارزشمندی درباره تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران به سازمان‌های اطلاعاتی عراق داده می‌شد.

خائنین به مملکت با توجه به دلیل تسلط به زبان فارسی، گویش‌ها و لهجه‌های محلی و آشنایی با فرهنگ اقوام گوناگون کشور پیام‌های مخابراتی شبکه‌های بی‌سیمی را شنود و رمزگشایی می‌کردند و اطلاعات مهم مربوط به عملیات نظامی از جمله انتقال نیرو و تجهیزات



در خانه‌های تیمی منافقین چه می‌گذشت؟

سید محسن موسوی‌زاده جزایری

سازمان مجاهدین خلق پیش از انقلاب تصویر مثبتی از خانه‌های تیمی خود در اذهان

«مسئول تمام قوانین انضباطی و تاکتیکی تیم، فرمانده می‌باشد و تمام اعضا موظف‌اند که دستورات امنیتی و قوانین انضباطی تیم را حتی به صورت دگم اجرا نمایند و به هیچ وجه حق ندارند اصول قبول شده پایگاه را زیر پا بگذارند.»

عمومی ارائه و وانمود می‌کردند خانه‌هایی که اعضای آن با برگزیدن زندگی ریاضتی و دل‌کنند از همه مواهب دنیوی، خود را برای مبارزه با رژیم پهلوی آماده می‌کردند و در نهایت در فرآیند مبارزه کشته می‌شدند. اما آیا به راستی این تصویر واقعی خانه‌های تیمی است و یا اینکه زیر این لایه به ظاهر زیبا مسائل دیگری وجود داشت؟

ظاهرزاده (فیروز) از اعضای اولیه سازمان مجاهدین، که ارتباط نزدیکی با حنیف‌نژاد رهبر این سازمان داشته، درباره خانه‌های تیمی می‌گوید: «با تدوین اصول تشکیلاتی گرایش به ایجاد خانه‌های جمعی که سرآغاز ایجاد خانه‌های تیمی در شهر بودند، آغاز شد. خانه‌های جمعی در از بین بردن اقتضانات زندگی شخصی و ایجاد روح جمعی و پیوستگی با سازمان نقش بسیار مهمی داشت. در خانه‌های جمعی فرآیند همسازی اعضا شروع شد. با تشکیل خانه‌های جمعی سعی می‌شد تا ضربه‌پذیری تشکیلات کاهش یابد.»

سازمان مجاهدین در آن زمان به منظور برقراری امنیت در خانه‌های تیمی اقدام به انتشار جزوه‌ای با عنوان «سازمان‌دهی و تاکتیک‌ها» کرد. در بخشی از این جزوه آمده است: «هر خانه تیمی به منزله پایگاه چریک است. هر پایگاه باید یک فرمانده و معاون داشته باشد. فرمانده باید کلیه اعمال و رفتار افراد تیم را دقیقاً زیر نظر داشته باشد؛ همچنین در جای دیگری از جزوه بر لزوم اطاعت بی‌چون‌وچرا از فرمانده خانه تیمی تأکید می‌شود. «مسئول تمام قوانین انضباطی و تاکتیکی تیم، فرمانده می‌باشد و تمام اعضا موظف‌اند که دستورات امنیتی و

قوانین انضباطی تیم را حتی به صورت دگم اجرا نمایند و به هیچ وجه حق ندارند اصول قبول شده پایگاه را زیر پا بگذارند.»

محسن نجات‌حسینی، از اعضای سابق مجاهدین، می‌گوید: «در خانه‌های جمعی افراد بر همه جنبه‌های زندگی هم نظارت کرده و از یکدیگر انتقاد می‌کردند. وقت بالرش‌ترین سرمایه بود که هر کس آن را در اختیار سازمان قرار می‌داد. هر عضوی یک بیلان کاری روزانه داشت که باید آن را در اختیار مسئول بالاتر قرار می‌داد. در این بیلان چگونگی گذراندن هر شبانه‌روز به‌طور دقیق نوشته می‌شد؛ اینکه چند ساعت از روز در کار تشکیلاتی گذشته است. کسی که ساعت بیشتری کار تشکیلاتی کرده بود، کارنامه بهتری داشت.»

نجات‌حسینی سپس می‌گوید که داشتن علایق عاطفی در خانه‌های تیمی ممنوع و کاری ناپسند بوده؛ چراکه این مسئله سبب تا تمام نیروی افراد در اختیار سازمان قرار نگیرد.

نجات‌حسینی سپس می‌گوید که داشتن علایق عاطفی در خانه‌های تیمی ممنوع و کاری ناپسند بوده؛ چراکه این مسئله سبب می‌شده تا تمام نیروی افراد در اختیار سازمان قرار نگیرد. بر اساس روایت نجات‌حسینی سازمان از خانه‌های تیمی به‌عنوان وسیله‌ای برای کنترل تمام جنبه‌های زندگی افراد و قطع ارتباط آنها با دنیای بیرون استفاده می‌کرده است تا از این طریق آنها به افرادی تبدیل شوند که فقط خود را متعلق به سازمان بدانند.

مسائل اخلاقی یکی دیگر از مشکلاتی بود که همواره سازمان با آن در خانه‌های تیمی روبه‌رو بود.

او می‌گوید: «اگر عضوی احساسی عاطفی نسبت به بستگان خود نشان می‌داد، به شدت مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌گرفت. از دیدگاه ما یک فرد انقلابی باید بر همه غرایز و عواطف خود چیره می‌شد.»

احمد احمد هم از اعضای سابق سازمان

روایت می‌کند که مجاهدین وقتی در خانه‌های تیمی روابط عاطفی افراد متأهل را می‌دیدند، سعی می‌کردند تا با انواع ترفندها این روابط را تضعیف کنند

فردی به نام پرویز در سازمان بود که به او گفته شده تو به همسرت خیلی وابسته هستی، سپس به او دستور می‌دهند تا با یکی از دختران سازمان دوست شود و این مسئله را به گونه‌ای جلوه دهد تا همسرش متوجه این مسئله شود. همین اقدام سازمان سبب از هم پاشیدن خانواده او می‌شود.

به غیر از این، مسائل اخلاقی یکی دیگر از مشکلاتی بود که همواره سازمان با آن در خانه‌های تیمی روبه‌رو بود. محمد گرگانی، از اعضای سابق سازمان، در این باره می‌گوید: «اگر مردی مسئول دخترخانمی می‌شد، باید دو مسئله را با هم جمع می‌کرد: از یک سو مسئولیت سازمانی و رابطه عاطفی بین فرد و مسئولش بود. از سوی دیگر روحیه انقلابی و استقلال خودش را باید حفظ می‌کرد. این کار اقتضا می‌کرد که رابطه او با این خانم در سطح یک موضوع انقلابی مربوط با منافع کل کشور باشد. حفظ این مرزها و حدود، گاه ذهن بعضی افراد را مشغول می‌کرد به ویژه دخترها بعضی جوان و ازدواج نکرده بودند و احساساتی سرریز شده داشتند.»

احمد احمد هم از اعضای سابق سازمان می‌گوید که فردی به نام پرویز در سازمان بود که به او گفته شده تو به همسرت خیلی وابسته هستی، سپس به او دستور می‌دهند تا با یکی از دختران سازمان دوست شود و این مسئله را به گونه‌ای جلوه دهد تا همسرش متوجه این مسئله شود. همین اقدام سازمان سبب از هم پاشیدن خانواده او می‌شود.

خانه‌های تیمی مملو از فساد و رفتارهای غیر اخلاقی بود و سازمان سعی می‌کرد با تفسیر به رای قرآن و توجیحات سیاسی بر آنها سرپوش بگذارد حجت‌الاسلام شجونی در خاطرات خود می‌گوید: «تفسیر قرآن آنها عجیب بود. چطور می‌شود که دو، سه تا دختر نمازخوان و با حجاب و دعای کمیل، به مدت شش ماه با پسران جوان، در یک

نزدیکانشان را از بین ببرد. همین مسئله سبب می‌شد تا اعضای سازمان دچار آسیب‌های عاطفی و روحی شدیدی بشوند؛ به طوری که بسیاری از آنها بعد از دستگیری توسط ساواک از خود ضعف نشان داده و اطلاعات سایر اعضا را لو می‌دادند.

اعضای سازمان دچار آسیب‌های عاطفی و روحی شدیدی بشوند؛ به طوری که بسیاری از آنها بعد از دستگیری توسط ساواک از خود ضعف نشان داده و اطلاعات سایر اعضا را لو می‌دادند.

منابع:

۱. محمود طاهرزاده (فیروز)، «یک پیشوای بلامنزاع بود»،
۲. مجاهدین خلق، سازمان‌دهی و تاکتیک‌ها
۳. محسن نجات‌حسینی، بر فراز خلیج فارس
۴. محمد محمدی، خاطرات و تأملات در زندان شاه
۵. خاطرات منتشر نشده شجونی درباره فساد بین دختران و پسران منافقین

فرد، وارد کردن شدید فرد به بازخوانی تاریخ زندگی‌اش و به‌طور ریشه‌ای عوض کردن جهان‌بینی‌اش و قبول صور جدید واقعیت و انگیزه‌هایش و به‌وجود آوردن وابستگی به سازمان در فرد و متعاقباً تبدیل فرد به مأمور صفوف اول سازمان از جمله تاکتیک‌هایی بود که سازمان در خانه‌های تیمی آنها را به کار می‌بست.

در عمل از این خانه‌ها برای از بین بردن شخصیت افراد و تبدیل آنها به افرادی که بی‌چون و چرا از دستورات سازمان اطاعت می‌کردند، استفاده شد.

در مجموع بررسی روند حاکم بر خانه‌های تیمی مجاهدین نشان می‌دهد که هر چند این سازمان این خانه‌ها را با هدف تربیت کادر مبارز تمام‌وقت ایجاد کرد، اما در عمل از این خانه‌ها برای از بین بردن شخصیت افراد و تبدیل آنها به افرادی که بی‌چون و چرا از دستورات سازمان اطاعت می‌کردند، استفاده شد. سازمان برای دستیابی به این هدف سعی می‌کرد تمام روابط عاطفی افراد با خانواده و

می‌گفتند: «بعولت‌هن» را به معنای «شوهر» نمی‌گرفتند، بلکه به معنای «هم‌سنگر» می‌دانستند و می‌گفتند زن‌ها نباید مواضع زینتشان را به کسی نشان بدهند مگر به هم‌سنگرها».

خانه تیمی زندگی کنند و برایشان مشکلی هم پیش نیاید؟! اینها این آیه را به خورد این دخترها می‌دادند که «ولابدین زینت‌هن الا لبعولت‌هن» ما می‌گوییم مواضع زینت را، که بالای گردن و بالای دست‌ها باشد، نباید جز به شوهرهایشان نشان بدهند، اما اینها جور دیگر معنای کردند و می‌گفتند: «بعولت‌هن» را به معنای «شوهر» نمی‌گرفتند، بلکه به معنای «هم‌سنگر» می‌دانستند و می‌گفتند زن‌ها نباید مواضع زینتشان را به کسی نشان بدهند مگر به هم‌سنگرها».

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان از خانه‌های تیمی به‌منظور بازسازی فکری افراد به‌منظور تبدیل آنها به افرادی مطیع استفاده می‌کرده است. در خانه‌های تیمی بایک برنامه تدریجی سعی می‌کردند تا نحو نگرش فرد به جهان را تغییر دهند. نامتعادل کردن حس خویشتن



شکنجه و سازمان تروریستی مجاهدین خلق

در کاغذ می‌نوشتیم که آنها جواب می‌دادند. البته شب قبل بی‌خوابی کشیده بودند و حالشان خوب نبود و پاهایشان درد می‌کرد و با پاشنه پا به توالت می‌رفتند. من به همراه مصطفی [معدن پیشه] و شهرام [روشن تبار] و محمدرضا کار شکنجه را شروع کردیم. ابتدا آن‌ها را روی

در اثر زدن با کابل تاول‌هایی که روی پاهای آن‌ها بود ترک می‌خورد و خون جاری می‌شد و به مصطفی گفتم پاهایشان را باندپیچی کند تا بتوانیم مجدداً آن‌ها را بزنیم.

صندلی بستیم و سپس صندلی را خوابانیدیم. من با کابل می‌زدم و مصطفی معدن پیشه دهانشان را با پارچه گرفته بود تا صدا بیرون نرود و وقتی مصطفی می‌زد، من دهانشان را می‌گرفتم. آن‌ها مرتب مطالب را تکذیب می‌کردند و هنگامی که خیلی از فشار ضربات دردشان می‌آمد الله اکبر می‌گفتند. در اثر زدن با کابل تاول‌هایی که روی پاهای آن‌ها بود ترک می‌خورد و خون جاری می‌شد و به مصطفی گفتم پاهایشان را باندپیچی کند تا بتوانیم مجدداً آن‌ها را بزنیم. در اثر ترکیدن تاول‌ها خون کف حمام راه افتاده بود و وقتی شکنجه محسن تمام می‌شد او را بیرون می‌آوردیم و طالب را داخل حمام می‌بردیم. تا عصر ما شکنجه را ادامه دادیم و وقتی خودمان خسته می‌شدیم آن‌ها را از روی صندلی باز می‌کردیم و دست‌ها و پاهایشان را با زنجیر به میز داخل اتاق می‌بستیم.» [۴]

مهران اصدقی می‌گوید از پیش مشخص شده بود که طاهری و میرجلیلی خانه مرکزیت سازمان را تحت نظر نداشتند و خانه مذکور شناسایی نشده بود؛ اما جرم نابخشودنی پاسداری موضوعی نبود که سازمان از آن چشم‌پوشی کند. مضاف بر آن کوچک‌ترین اطلاعاتی درباره شکنجه آنها نباید به خارج از سازمان درز پیدا می‌کرد. در نتیجه گرفتن انتقام، جایگزین گرفتن اطلاعات شد: «حوالی ظهر بود که طاهر و مسعود قربانی آمدند و با حالتی خندان و در حالی که می‌گفتند بالاخره معلوم شد برای بچه‌ها که خانه‌های سازمان در تور نبوده و به همین خاطر از همه ما قدردانی کردند و در ادامه گفتند ولی امروز کار خیلی مهمی داریم. درست است که این‌ها خانه ما را زیر نظر نداشته‌اند، ولی ما نباید از این‌ها که پاسدار هستند بگذریم و بچه‌ها گفته‌اند هر کاری خواستید می‌توانید با این‌ها انجام دهید؛ اگر توانستید اطلاعات بگیریید و اگر نتوانستید انتقام. حتی می‌گفت طرحی داریم که این‌ها را به خیابان ببریم و درب ماشین را باز کنیم و در یک منطقه شلوغ آن‌ها را به رگبار ببندیم و دو کوکتل روی آن‌ها بزنیم، ولی هنوز این مسئله از طرف بچه‌ها تصویب نشده و کاری که ما امروز داریم، گرفتن اطلاعات در غیر این صورت انتقام است.»

مهران اصدقی در ادامه می‌گوید که نهایتاً در روز آخر، برای گرفتن انتقام: «سپس جواد [محمدی] وارد اتاق شد و طالب را دید که نشسته است. چند سیلی محکم به گوش او زد... جواد محمدی به من گفت این‌ها را بترسانید. من که فکر می‌کردم اطلاعات خیلی زیادی از آن‌ها گرفته‌ام به جواد گفتم دیشب اطلاعات زیادی به من داده و تو نباید این طوری برخورد کنی، ولی جواد گفت باید بترسند. سپس هویه را آورد و به بدن طالب می‌چسباند که می‌خواست فریاد بزند ولی طاهر به او می‌گفت اگر صداقت در بیاید بیشتر می‌سوزانمت و طالب به من

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بعد از اعلام مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰، با هدف ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، اقداماتی همچون ترور حامیان مردمی نظام، بمب‌گذاری در اماکن مختلف و... را در دستور کار خود قرار داد و در این مسیر جنایات‌های هولناکی چون آتش زدن اتوبوس شرکت واحد در شیراز و کشتن دخترک چند ساله، به گلوله بستن کفاح پیرمرد در جنوب غرب تهران، حمله به سفره افطاری در یکی از منازل شهر و کشتن روزه داران، کشتن مردم تحت عنوان نیروهای انقلابی و... را مرتکب شدند.

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بعد از اعلام مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰، با هدف ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، اقداماتی همچون ترور حامیان مردمی نظام، بمب‌گذاری در اماکن مختلف و... را در دستور کار خود قرار داد

یکی از جنایات‌هایی که اعضای مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۶۰ مرتکب گردید، ربودن دو نفر از پاسداران افتخاری کمیته انقلاب اسلامی و زجر کش نمودن آنها بود تا به خیال خود با ایجاد ترس، مردم علاقه مند را از خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باز دارند.

در این عملیات، طالب طاهری ۱۶ ساله و محسن میرجلیلی ۲۵ ساله با اتهام عضویت در کمیته انقلاب اسلامی زیر شکنجه‌های شدید، سخت، شنیع و طاقت‌فرسا به طرز وحشتناکی به شهادت رسیدند. مهران اصدقی از اعضای بخش ویژه و عملیات مهندسی سازمان مجاهدین خلق در اعترافاتش می‌گوید: «آنها با یک ماشین تویوتا در حال حرکت بودند که ما با پیکان جلوی آنها پیچیده و آنها را خلع سلاح کرده و با گفتن اینکه ما از کمیته هستیم آنها را به زور داخل ماشین کرده و به سمت مخفی گاهمان در خیابان بهار حرکت کردیم دو پاسدار دستگیر شده در مقر مذکور با دیدن عکس موسی خیابانی بر دیوار متوجه می‌شوند که ربوده شده‌اند و توسط منافقین تحت بازجویی قرار دارند.»

با هویه بخشی از بدن آنها را سوزاندیم، پاهای طالب و محسن متورم و کبود بود و روی دست‌ها لکه‌های سرخ بود که با هویه آن‌ها طور شده بود. من سریعاً سؤالات را در کاغذ می‌نوشتیم که آنها جواب می‌دادند. البته شب قبل بی‌خوابی کشیده بودند و حالشان خوب نبود و پاهایشان درد می‌کرد و با پاشنه پا به توالت می‌رفتند.

اصدقی عنوان می‌دارد: «به منظور آگاهی از فعالیت دو پاسدار دستگیر شده با کابل به جان آنها افتادیم. آنها ابتدا مقاومت می‌کردند و وقتی شدت شکنجه افزایش یافت و با هویه بخشی از بدن آنها را سوزاندیم، پاهای طالب و محسن متورم و کبود بود و روی دست‌ها لکه‌های سرخ بود که با هویه آن‌ها طور شده بود. من سریعاً سؤالات را

سپس به من گفت اتو را بیاور. من اتو آوردم. مسعود اتو را به برق زد و اتو در حالی که چراغش روشن شده بود و داغ می شد، از فاصله بین تکیه گاه صندلی و محل نشستن آن به کمر محسن نزدیک کرد طوری که او احساس می کرد که اتو داغ است و فقط به من خیره شده بود و هیچ حرفی نمی زد. مسعود قربانی مجدداً سؤال کرد حرف می زنی یا نه؟ که به دنبال این حرف ناگهان اتو را به کمر محسن میرجیلی چسباند که محسن از شدت درد با حالت عجیبی دهانش را باز کرد، سپس از هوش رفت. بوی سوختگی داخل حمام پیچیده بود. من خیلی ترسیده بودم. خود مسعود قربانی هم ترسیده بود ولی سعی می کرد خودش را مسلط به کاری که انجام می دهد نشان دهد. سپس مسعود قربانی به محمدرضا گفت آب سرد رویش بریز تا به هوش بیاید. من از حمام بیرون رفتم و وارد اتاقی که جواد محمدی و مصطفی معدن پیشه در آن بودند شدم.»

آیا فکر می کردی یک روز به دست ما بیفتی؟ می بینی ما داریم حکومت می کنیم. تو می دانستی که در این شهری که این همه شما گشت در آن به راه انداخته اید، ما شما را این طور دستگیر کنیم و هر کاری بخواهیم با شما بتوانیم بکنیم.

به موازات این اتفاق، طالب طاهری نیز در اتاق دیگری زیر فشار تهدید و شکنجه بود: «من آمدم پیش طاهر [جواد محمدی] و رحمان [مصطفی معدن پیشه] که با طالب تنها بودند. طاهر خیلی وحشیانه تر عمل می کرد. چند بار دیدم که طالب را تهدید می کرد تا به حال دیده ای که پوست یک نفر را بکنند؟ حتماً ندیده ای. آیا فکر می کردی یک روز به دست ما بیفتی؟ می بینی ما داریم حکومت می کنیم. تو می دانستی که در این شهری که این همه شما گشت در آن به راه انداخته اید، ما شما را این طور دستگیر کنیم و هر کاری بخواهیم با شما بتوانیم بکنیم. طاهر سپس به رحمان اشاره کرد چاقو را بیاور تا فقط نشانش دهم که چطوری پوست می کنند؛ البته خود این می تواند با اعمال خود، خود را نجات دهد یعنی باید اطلاعات دهد...» جنایت و شکنجه به وضع فجیعی ادامه یافت تا شهادت پاسدارن

درست است که این ها خانه ما را زیر نظر نداشته اند، ولی ما نباید از این ها که پاسدار هستند بگذریم و بچه ها گفته اند هر کاری خواستید می توانید با این ها انجام دهید؛ اگر توانستید اطلاعات بگیرید و اگر نتوانستید انتقام.

نگاه می کرد تا شاید چیزی بگویم ولی من هیچ کاری نمی کردم. مسعود قربانی نیز اتو را به کمر محسن چسباند که بیهوش شده بود و مسعود قربانی گفت این ها را باز هم بزنید تا بترسند...»

همزمان با شکنجه دو پاسدار فوق در ساختمان خیابان بهار که بعنوان بخش ویژه منافقین مطرح بود، دو فرد دیگر نیز در آن محل تحت شکنجه بودند. یکی از دستگیر شدگان که خسرو ریاحی نام داشت و بدلیل اینکه بدن ورزیده ای داشت، در حین شکنجه با منافقین درگیر می شود و آنها مجبور می شوند که با تیر او را به شهادت برسانند. با توجه به بلندی صدای تیر شلیک شده، منافقین از ترس اینکه ساختمان ممکن است مورد شناسایی مردم واقع شود و امنیت آنها به خط بیفتد، اقدام به تخلیه آن می نمایند که در این حین تصمیم می گیرند عملیات شکنجه به پایان برسد. اصدقی می گوید: «پس از درگیری خسرو ریاحی با منافقین و تیراندازی به وی [من پیش طالب و محسن آمدم و از آن ها پرسیدم صدای تیر زیاد بود؟ که به من گفتند صدا زیاد بوده و وقتی محمدرضا به خانه آمد گفتیم همین امشب باید اینجا را خالی کنیم. همه تان اسلحه هایتان را ببندید و آماده باشید...»

سپس شکنجه وحشیانه پیش از قتل دو پاسدار در دو اتاق جداگانه آغاز شد، «دست به کار شدیم. مسعود قربانی و من قرار شد بالای سر محسن میرجیلی برویم و جواد محمدی و مصطفی معدن پیشه سراغ طالب طاهری بروند. قبل از هر چیز جواد گفت بگذارید ببینیم این میله های سربی که گفته اند بیهوش می کند درست است یا نه. سپس با میله دو بار به پشت گردن طالب زد که بیهوش نشد و گفت یا این میله ها الکی است یا این (منظور طالب طاهری) خیلی پوست کلفت است. سپس دست به کار شدیم. در حمام من و مسعود قربانی نزد محسن میرجیلی که روی صندلی بسته شده بود رفتیم. مسعود قربانی خطاب به محسن گفت شنیده ام تو اطلاعات نمی دهی. می دانی ما با دشمنانمان چطور رفتار می کنیم؟ اگر اطلاعات ندهی تو را می پزیم.



بخشی از قربانیان ترورهای سازمان مجاهدین خلق

منافقین در شبکه های اجتماعی

منافقین در سالهای اخیر فعالیت خود را در فضای مجازی متمرکز کرده و تلاش می کنند با دروغ پردازی و نفاق افکنی جوانان و مردم را فریب داده و به اهداف شوم خود برسند، در این خصوص تنها به بخشی از اعترافات اعضای جدا شده از سازمان بسنده می کنیم:

فعالیت منافقین در شبکه های اجتماعی براساس دستورالعمل های فریب صورت می گیرد و اعضای سازمان در آلبانی با کار اجباری شبانه روزی سعی می کنند کنش هایی هر چند محدود در ایران را رقم بزنند...

فعالیت منافقین در شبکه های اجتماعی براساس دستورالعمل های فریب صورت می گیرد و اعضای سازمان در آلبانی با کار اجباری شبانه روزی سعی می کنند کنش هایی هر چند محدود در ایران را رقم بزنند.

حسن حیرانی/ عضو جدا شده از فرقه رجوی در مصاحبه تلویزیونی با شبکه بی بی سی فارسی

باید کامنت منفی و فحش می نوشتیم

هر فرد در این گروهک بسته به سطح دانش خود از فضای مجازی و آشنایی با زبان های متفاوت چندین حساب کاربری متفاوت در شبکه های اجتماعی برای خود داشت. افراد طبق برنامه ای که هر روز صبح از بخش سیاسی گروهک اعلام می شد فعالیت های مشخصی مانند لایک و ریتوییت کردن توییت های مریم رجوی را انجام می دادند. خودم ۳ سال در قسمت سیاسی فرقه بودم که در این بخش هر روز صبح به همه اعضا جی میل ارسال می کردیم که امروز در رابطه با چه موضوعی توییت بزنند و فعالیت مجازی بکنند. تمام روزها باید می رفتم توییت های خواهر مریم را لایک می کردم و کامنت مثبت می گذاشتم. گاهی روزها نفرات آپیک علیه ایران و جمهوری اسلامی حرف می زدند که ما باید می رفتیم و کامنت ضدایران می گذاشتیم. گاهی کسی از اصلاحات در ایران دفاع کرده بود و ما باید می رفتیم به جد و آباد این بنده خدا فحش می دادیم و کامنت منفی می گذاشتیم.

حسن شهبازی، عضو جدا شده از فرقه رجوی

خودم ۳ سال در قسمت سیاسی فرقه بودم که در این بخش هر روز صبح به همه اعضا جی میل ارسال می کردیم که امروز در رابطه با چه موضوعی توییت بزنند و فعالیت مجازی بکنند.

مشکلات ایران را هشتک می کردیم

برای فعال شدن هشتک ها، به ما گفته می شد که دقیقاً روی چه هشتکی کار کنیم. کار ما این بود که با جست و جوی ویدئوهای اعتراضات و نشر و باز نشر آنها، کامنت های خودمان را در ذیل همان ویدئوها پخش کنیم. ما به صورت روزانه، دستورالعمل هایی برای تمرکز روی مسائل جاری ایران دریافت می کردیم؛ مسائلی مانند بالا رفتن قیمت ها، بیکاری و فقر. ما باید با استفاده از توییت، توجه جهانیان را به این مسائل جلب می کردیم و به هر طریقی، جمهوری اسلامی را مقصر نشان می دادیم. این وظیفه روزانه ما در فضای مجازی بود.

دستور رجوی: سیاه نمایی وضعیت ایران

دستور مریم رجوی به سران تشکیلات، تبلیغات دروغین و شیطان سازی و سیاه نمایی وضعیت ایران است و اینکه آمریکا قصد حمله به ایران را دارد.

کریم حقی، محافظ سابق مریم رجوی

ایران اینترنشنال مسئول سفید کردن منافقین است!

برجسته کردن کمیته های جوانان محلات و نرمالیزه کردن تجزیه طلبی را شبکه اینترنشنال انجام می دهد و حتی سفید کردن مجاهدین را برعهده این شبکه گذاشته اند. تکنولوژی اسرائیل پشت مجاهدین است تا آنها را به نتیجه برسانند!

مصطفی بهشتی، عضو جدا شده از فرقه رجوی

تمام چت های ما چک می شد

مانیتورینگ افرادی که در حوزه فضای مجازی در داخل پادگان اشرف ۳ فعالیت می کنند در چهار مرحله انجام می گیرد. در اتاق و یا سالتی که افراد پشت سیستم ها هستند، تلویزیون های بزرگ موسوم به پلاسما وجود دارد که مانیتور تمام سیستم های

کامپیوتر افراد به این تلویزیون ها متصل است. یک فرمانده در هر اتاق هست که چت افراد را چک می کند. مراحل بعدی چک در اتاق فرماندهی، اتاق اطلاعات و امنیت و اتاق اینترنت و سایبری اصلی فرماندهی صورت می پذیرد. هدف از این مراحل چک امنیتی و جلوگیری از درز اخبار تشکیلاتی توسط افراد ناراضی به بیرون تشکیلات است. برای اینکه اعضای فرقه نتوانند توسط تبلت ها و گوشی های موبایل با خارج از مناسبات ارتباط بگیرند، به طریقی محل سیم کارت آنها را خراب می کنند. من به عنوان کسی که ۲۱ سال در سازمان مجاهدین خلق بوده ام می گویم که اشتباه محض است اگر فکر کنید مجاهدین به دنبال آزادی مردم ایران هستند. آنها فقط و فقط به دنبال کسب قدرت هستند.

برای فعال شدن هشتک ها، به ما گفته می شد که دقیقاً روی چه هشتکی کار کنیم. کار ما این بود که با جست و جوی ویدئوهای اعتراضات و نشر و باز نشر آنها، کامنت های خودمان را در ذیل همان ویدئوها پخش کنیم.

پرویز حیدرزاده، عضو جدا شده از فرقه رجوی
می خواستیم جوانان را جذب کنیم چون گذشته سازمان را نمی دانستند

هر یک از اعضای سازمان ممکن است بیش از ۱۰ حساب کاربری در شبکه های اجتماعی داشته باشند که صاحبان ظاهری بیشتر آن حساب ها، دخترهای جوان با اسم و داستان و هویت جعلی هستند. اعضای سازمان تلاش می کنند در شبکه های اجتماعی، پست های مریم رجوی را پر بیننده کنند و در این زمینه از ماشین های ترول برای ترند کردن مریم رجوی و سازمان استفاده می کنند. تلاش اعضای سازمان مجاهدین خلق در شبکه های اجتماعی این است که کاربران را به مرحله نفرت از حکومت کنونی ایران برسانند تا آن افراد در شرایطی که به وجود می آید، عملیات های ایذایی انجام بدهند، اموال عمومی را آتش بزنند و کارهای دیگری از این دست. به ما می گفتند از ۱۵ ساله تا ۳۰ ساله را با حرف هایتان جذب کنید. این سن ها زودباور هستند، خوب تاریخ

ایران و فریب جوان‌ها به منظور جذب نیرو و استفاده از آنها برای ایجاد اغتشاشات و در نهایت به زعم خودشان سرنگونی نظام ایران بود. اکانت‌هایی که در آنجا استفاده می‌شد برگرفته از نام‌های اصیل ایرانی همچون کوه‌ها، دشت‌ها یا اسامی ایرانی جوان‌پسند بود که بتواند قشر جوان و فعال در فضای مجازی را فریب دهد. در واقع

اکانت‌هایی که در آنجا استفاده می‌شد برگرفته از نام‌های اصیل ایرانی همچون کوه‌ها، دشت‌ها یا اسامی ایرانی جوان‌پسند بود که بتواند قشر جوان و فعال در فضای مجازی را فریب دهد.

اعضای سایبری سازمان وظیفه داشتند که «پس از جذب جوانان فریب‌خورده با وعده پول» یا مواردی از این دست، آن جوانان را مجاب کنند که با چسباندن برخی عکس‌ها در اماکن عمومی، شعارنویسی، پاره کردن برخی تصاویر، آتش زدن و ایجاد اغتشاش و ارسال تصاویر برای اعضای سازمان، از آنها پول دریافت کنند.

اکانتی تحت عنوان سعید ۲۵ ساله داشتیم که صاحب این اکانت یک فرد ۸۰ ساله است که مشغول فریب جوان‌های ایرانی در فضای مجازی است.

جذب جوانان فریب‌خورده با وعده پول

از زمانی که من وارد فرقه رجوی شدم، شاهد این موضوع بودم که برای هر یک از اعضا تعداد زیادی رایانه تهیه شد و از آن افراد در قالب به قول خودشان «ارتش سایبری خواهر مریم» در راستای تأمین منافع سازمان سوءاستفاده می‌کردند. شاید

برای هر یک از اعضا تعداد زیادی رایانه تهیه شد و از آن افراد در قالب به قول خودشان «ارتش سایبری خواهر مریم» در راستای تأمین منافع سازمان سوءاستفاده می‌کردند.

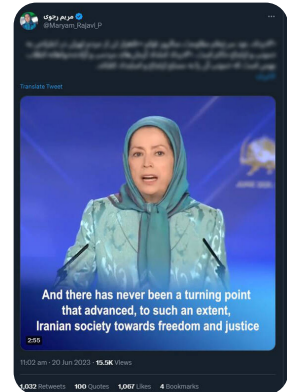
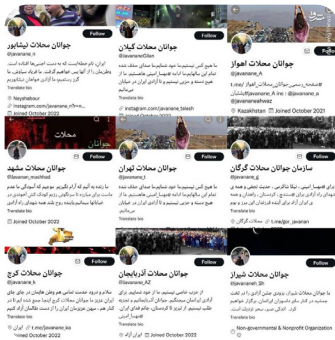
بتوان به صورت مختصر تمام فعالیت‌هایی که ما در قالب ارتش سایبری در آن فرقه انجام می‌دادیم را اینگونه تعریف کرد که وظیفه ما در آنجا وصل شدن به داخل

نمی‌دانند و ما را خوب نمی‌شناسند. من فقط اجازه داشتم که به مخاطبم بگویم در سوئد و دانمارک دانشجوی هستم و بیشتر از این دو تا کشور اجازه نداشتم که بگویم. شاید کس دیگری جای دیگری را می‌گفت. هیچ عکس شخصی هم حق نداشتم از خودمان در فضای مجازی منتشر کنیم.

برجسته کردن کمیته‌های جوانان محلات و نرمالیزه کردن تجزیه‌طلبی را شبکه اینترنت‌نشال انجام می‌دهد و حتی سفید کردن مجاهدین را برعهده این شبکه گذاشته‌اند.

مردم به ما ناسزا می‌گفتند

اکانتی تحت عنوان سعید ۲۵ ساله داشتیم که صاحب این اکانت یک فرد ۸۰ ساله است که مشغول فریب جوان‌های ایرانی در فضای مجازی است. تا آنجا که ما در آن گروهک مشغول فعالیت سایبری بودیم هیچ‌گونه موفقیتی را شاهد نبودیم؛ چرا که اکثر افرادی که به ما وصل می‌شدند به محض آنکه اسم سازمان را می‌شنیدند کل ارتباطشان را با ما قطع کرده و با ناسزاگویی از ما جدا می‌شدند.



روند مارکسیست شدن بخشی از اعضای مجاهدین خلق

زبان ساده و شناخت و حتی جزوه کوچک مبارزه چیست همه مبتنی بر مارکسیسم بود و آن را برای خودشان علم مبارزه می دانستند. راه طی شده می گوید که راه انبیا، توسط مبارزین و دانشمندان هم طی شده است.

امام به حسین روحانی گفت شما «معاد» را ادامه همین جهان اما با تغییر کیفی بسیار بزرگ، می دانید؛ یعنی تطور و تحول طبیعت و این همان حرف دکتر تقی ارانی (تقی ارانی در دوران رضاخان زندانی بود اما گروه پیرو وی، در مهرماه سال ۱۳۲۰، دست به تشکیل حزب توده زد) است.

در بهمن ماه سال ۵۰ حسین روحانی در نجف دیداری با امام داشت. نتیجه دیدار چه شد؟

حسین روحانی، جزوه شناخت را نوشته بود. حسین روحانی ۶ یا ۷ جلسه نزد امام رفت. امام با مضمون کتاب‌های سازمان مخالف بودند و با روش مبارزه مسلحانه هم موافق نبود. امام به حسین روحانی گفت شما «معاد» را ادامه همین جهان اما با تغییر کیفی بسیار بزرگ، می دانید؛ یعنی تطور و تحول طبیعت و این همان حرف دکتر تقی ارانی (تقی ارانی در دوران رضاخان زندانی بود اما گروه پیرو وی، در مهرماه سال ۱۳۲۰، دست به تشکیل حزب توده زد) است.

(مجاهدین) تنها گروه در تمام دنیا بودند که اعلام کردند ما خودمان، ایدئولوژی می‌سازیم! یعنی می‌گفتند ما مسلمانیم اما هیچ یک از قرآنت‌هایی که از اسلام می‌شود را قبول نداریم؛ می‌گفتند اسلام ما اسلامی است که مقدمه واجب آن، مارکسیسم است!!

امام می‌گفتند اگر من جریانی را تایید کنم که آدم می‌کشد، اگر یک روز هم یکی از ماها کشته شد، در واقع من حرکت آن جریان را تایید کرده‌ام.

پس با توجه به اظهارات شما، جریان مارکسیست شدن سازمان ابتدا از زندان آغاز شد؟

بله؛ بهمن بازرگانی، علیرضا تشیّد و حسین آلاپوش و مانند این هادر زندان به شدت تحت تاثیر مارکسیسم قرار گرفتند.

گفته می‌شد که رجوی مارکسیست شد اما برای اینکه ببیند فضا چگونه پیش می‌رود، تظاهر به مسلمانی کرد.

ببینید رجوی و امثال رجوی، به اسلامی اعتقاد داشتند که می‌گفتند باید خودمان آن را بسازیم! هر گروهی، در هر جای دنیا، وقتی می‌خواهد مبارزه کند، بر مبنای یک ایدئولوژی مبارزه می‌کند؛ آن ایدئولوژی یا ملیت است یا مثلا مارکسیسم اما این‌ها (مجاهدین) تنها گروه در تمام دنیا بودند که اعلام کردند ما خودمان، ایدئولوژی می‌سازیم! یعنی می‌گفتند ما مسلمانیم اما هیچ یک از قرآنت‌هایی که از اسلام می‌شود را قبول نداریم؛ می‌گفتند اسلام ما اسلامی است که مقدمه واجب آن، مارکسیسم است!!

سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۴ «بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک» منتشر کردند این امر شکافی عظیم در میان اعضای سازمان ایجاد کرد. اکثریت مجاهدین مارکسیسم شدند و اقلیتی تحت عنوان مجاهدین مسلمان به اصول مذهبی پافشاری کردند. در قبل نیز کسانی نظیر تقی شهرام و بهرام آرام مباحث ایدئولوژیک مارکسیستی را مطرح و روی آن پافشاری می‌کردند. بسیاری از کسانی که به مارکسیسم گرویدند، از افراد مسلمان متعصب و معتقد به اصول توحید بودند، مانند روحانی و حق شناس که در تیم ایدئولوژی اصلی و اولیه عضویت داشتند یا پوران بازرگان، همسر حنیف نژاد که از معتقدین به مذهب بود.

بهمن بازرگانی می‌گفت وقتی به زندان رفتم، دیگر مارکسیست شده بودم؛ حتی می‌گفت همان زمان که کتاب‌های مهندس بازرگان یا دیگران را خواندم و عضو سازمان شدم، اگر چریک‌های فدایی سراغ من می‌آمدند تا عضوگیری کنند، من عضو چریک‌ها می‌شدم.

احمد رضا کریمی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق، راجع به مارکسیست شدن سازمان مصاحبه ای دارد که به سمع و نظر شما می‌رسانیم

آیا سازمان در سال ۵۴ دفعتا مارکسیست شد؟

من اینجا صحبتی را از بهمن بازرگانی نقل می‌کنم؛ بهمن بازرگانی در مصاحبه ای گفت برای اولین بار که جزوه تضاد مائو را خواندم، سوالی به ذهنم رسید و به محمد حنیف نژاد گفتم اگر ما همانند انقلابی‌های ویتنام یا کوبا باشیم و مسلمان هم نباشیم، آیا مبارزه می‌کنیم؟ محمد گفت بله. من هم گفتم چه ضرورتی دارد که در چارچوب اسلام مبارزه کنیم؟ محمد هم گفت که الان جای این بحث‌ها نیست. فعلا باید فکر و ذهن مان را صرف مبارزه کنیم. همین برخوردها باعث شد که...

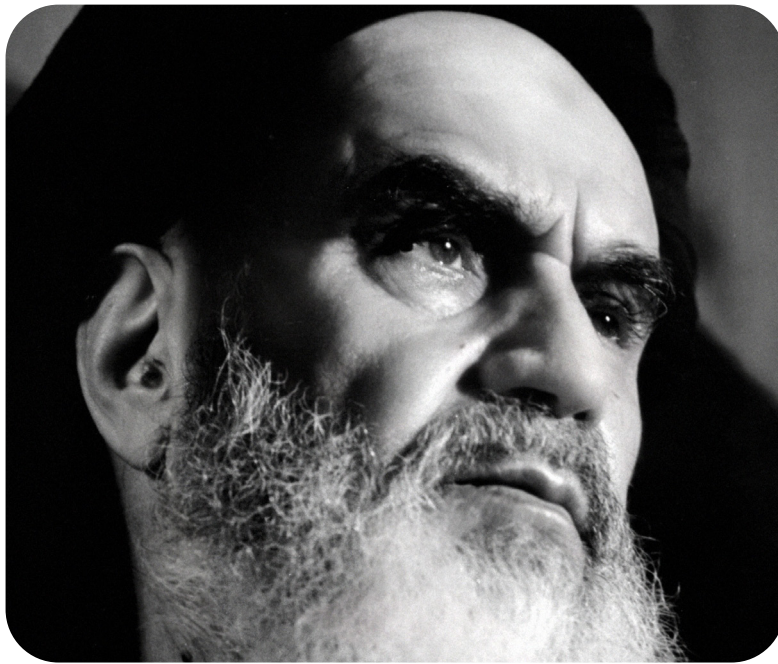
کتاب راه انبیا راه بشر که متن آن را خود حنیف نژاد نوشته بود، و کتاب‌های اقتصاد به زبان ساده و شناخت و حتی جزوه کوچک مبارزه چیست همه مبتنی بر مارکسیسم بود و آن را برای خودشان علم مبارزه می‌دانستند.

جرقه مارکسیست شدن سازمان زده شود.

بله جرقه زده شود؛ بهمن بازرگانی می‌گفت وقتی به زندان رفتم، دیگر مارکسیست شده بودم؛ حتی می‌گفت همان زمان که کتاب‌های مهندس بازرگان یا دیگران را خواندم و عضو سازمان شدم، اگر چریک‌های فدایی سراغ من می‌آمدند تا عضوگیری کنند، من عضو چریک‌ها می‌شدم.

یعنی کتابهای آقای بازرگان سرانجام باعث سوق پیدا کردن سازمان به سمت مارکسیسم شد؟

ببینید! مهندس بازرگان کتابی داشت به نام راه طی شده که جذاب‌ترین کتاب وی برای جوانان و تیپ دانشجویان بود. کتاب راه انبیا راه بشر که متن آن را خود حنیف نژاد نوشته بود، و کتاب‌های اقتصاد به



پاسخ تند امام خمینی به طرفداران مجاهدین خلق

حجت الاسلام و المسلمین سید رضا برقی

درد که شما بگویید که چرا برای ایشان نوشتم! و نسبت به این آقایان نمی نویسم! من اگر بنا بود موضعی بگیرم مخالف می گرفتم. گفت: یعنی نسبت به این جوانهایی که در این شرایط اختناق با رژیم پهلوی مبارزه می کنند، موضع مخالف می گرفتید؟! امام به تندی فرمودند: من مبارزه ای را که

کمونیست می کند، قبول ندارم. من از جریان فکری منحرف حمایت نمی کنم. او گفت: آقا از کجا می دانید؟! به شما گزارش بد داده اند. امام در حالی که به کتابی که روی میز اشاره می کردند، فرمودند: گزارش بد کدام است. مگر این کتاب را شما برای من نیاورده اید؟

این کتاب بغیر از آن کلمه «به نام خدا» بقیه اش همه مبانی «مائو» است. شما نمی فهمید، این افکار التقاطی است که این ها کار ما را

عقب انداخته اند، نهضت را عقب انداختند. امام در این جا صحبت را تمام کردند. من و دوستم که به همراه آن آقا به خدمت ایشان رسیده بودیم، دیدیم که کلاه سر ما رفته است و از همه جا بی خبر همراه او شده ایم. به این خاطر ما نشستیم تا اینکه آن شخص از خدمت امام مرخص شد. پس از رفتن او، به آقا عرض کردیم که: خدا شاهد است ما برای این مسائل نیامده بودیم.

ما در بیرونی نشسته بودیم که این آقا خواستند شرفیاب شوند و ما هم خواستیم از فرصت استفاده کرده و زیارتی بکنیم. امام فرمودند: اینها معلومات ندارند و اسلام را وارونه معرفی می کنند. منبع: کتاب «خاطرات نجف» چاپ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

منافقین (مجاهدین خلق) در آغاز در میان مبارزین و حتی بعضی از مقامات فعلی ایران محبوبیت داشتند. چنان که یکی از همین آقایان

در نامه ای برای امام، آنها را حافظان قرآن، قاریان نهج البلاغه و سمبل مبارزه معرفی کرده بود. من به همراه عده ای در بیرونی منزل امام نشسته بودیم که یکی از دوستان که

از طرفداران سازمان مجاهدین خلق بود، آمد و گفت که از آقا وقت گرفته ام و می خواهم به خدمتشان برسم. من و یکی دیگر فرصت را غنیمت شمرده و به همراه او به خدمت امام وارد شدیم. او از آن بزرگوار درخواست کرد که: آقا در مورد حنیف نژاد و یاران که

در شرف اعدام هستند، اظهار نظر و اعلامیه ای بدهید تا ان شاء الله رژیم تحقیقی به آنها بدهد. امام فرمودند: من تصمیم ندارم که در مورد این

آقایان صحبتی بنمایم. او گفت: در این شرایط حساس، تمام مردم ایران چشمشان به نجف است و از شما توقع اظهار نظر دارند. مسلما صحبت شما در نجات آنها موثر خواهد شد. فرمودند: من با مطالعه

تصمیم گرفتم که نسبت به این آقایان چیزی نگویم. گفت: آقا شما راجع به حاج شیخ نصر الله خلخالی که نقش آنچنانی نیز ندارد! نامه داده اید که ایشان وکیل من است تا دولت

عراق ایشان را اذیت نکند ولی راجع به این جوانهایی که جانشان را کف دست گرفته و به میدان مجاهده آمده اند، چیزی نمی گوید؟! فرمودند: حاج شیخ نصر الله خلخالی وکیل من است و بخاطر من گرفتار شده بود. ایشان رفیق چهل ساله من است این چه مساله ای

این کتاب بغیر از آن کلمه «به نام خدا» بقیه اش همه مبانی «مائو» است. شما نمی فهمید، این افکار التقاطی است که این ها کار ما را عقب انداخته اند، نهضت را عقب انداختند.

امام به تندی فرمودند: من مبارزه ای را که کمونیست می کند، قبول ندارم. من از جریان فکری منحرف حمایت نمی کنم.

امام فرمودند: اینها معلومات ندارند و اسلام را وارونه معرفی می کنند.

زندگینامه حضرت معصومه (ع)

تولد حضرت فاطمه معصومه

حضرت معصومه (ع) اول ذی القعدة سال ۱۷۳ ه.ش در مدینه منوره به دنیا آمد نام شریف ایشان، فاطمه و مشهورترین لقب ایشان معصومه علیها السلام است. پدر بزرگوارشان، امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

نام حضرت معصومه (ع) «فاطمه کبری» بود؛ زیرا حضرت کاظم (ع) سه دختر به نام فاطمه داشتند و حضرت معصومه (ع) بزرگتر از آنها بود.

و مادر مکرمه ایشان حضرت نجمه خاتون علیها السلام نام دارند. امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام از یک مادر، برادر و خواهر می باشند.

بشارت ولادت

سال ها قبل از تولد ایشان امام صادق علیه السلام درباره مقام و منزلت ایشان فرمودند: «برای خدا حرمی است که آن مکه می باشد و برای رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم حرمی است که آن مدینه و برای امیرالمومنین علیه السلام حرمی است که آن کوفه می باشد و برای ما حرمی است که آن قم می باشد. به زودی فرزندی از فرزندان من به نام فاطمه در آن جا دفن می شود؛ هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود».

حضرت معصومه علیها السلام نیز همچون عمه بزرگوارشان حضرت زینب علیها السلام پیام مظلومیت و غربت برادر گرامی شان، امام رضا علیه السلام را به مردم رسانده، مخالفت خود و اهل بیت علیها السلام را با حکومت حمله گر بنی عباس اظهار می فرمودند.

از عالی ترین فضایل آن حضرت انتساب ایشان به بیت وحی و رسالت و امامت است او «بنت» رسول الله صلی الله علیه و «بنت» ولی الله و «اخت» ولی الله و «عمه» ولی الله است و این امر خود سرچشمه سایر فضایل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار می باشد.

امام کاظم علیه السلام پدر بزرگوار حضرت معصومه در سال ۱۷۹ ه. ق به دستور هارون زندانی گشت در آن زمان حضرتش ۶ ساله

بودند و در همان سنین کودکی با مصیبت شهادت پدر گرامی خود مواجهه شد و تا زمان هجرت امام رضا (ع) در سال ۲۰۰ ه. ق - به مدت ۲۱ سال تحت سرپرستی امام رضا (ع) بودند.

نام و القاب حضرت معصومه (س)

نام حضرت معصومه (ع) «فاطمه کبری» بود؛ زیرا حضرت کاظم (ع) سه دختر به نام فاطمه داشتند و حضرت معصومه (ع) بزرگتر از آنها بود. اسامی و لقب هایی که برای حضرت معصومه (س) در دو زیارت نامه غیر مشهور ذکر شده که به قرار ذیل است:

طاهره (پاکیزه)، مرضیه (مورد رضایت خدا)، رضیه (خشنود از خدا)، برّه (نیکی کار)، تقیه (پرهیزگار)، سیده صدیقه (بانوی بسیار راستگو)، حمیده (ستوده)، سیده رضیه مرضیه (بانوی خشنود خدا و مورد رضای او)؛ رشیده (حد یافته)، سیده نساء العالمین (سرور زنان عالم) هم چنین محدثه و عابده از صفات و القابی است که برای حضرت معصومه (س) عنوان شده است.

پس از حمله دشمنان اهل بیت علیها السلام به کاروان، حضرت معصومه علیها السلام از دیدن پیکرهای غرق به شدت غمگین و بیمار شدند

هجرت حضرت

یک سال از هجرت امام رضا علیه السلام می گذرد و حضرت معصومه علیها السلام که هرگز به این مدت طولانی از برادرش جدا نمانده بود، دلش در فراق برادر بی تاب می گردد؛ به ویژه پس از نامه ای که از سوی برادرش دریافت می کند برای دفاع از امامت و ولایت امام رضا علیه السلام و به شوق دیدار برادرش به همراه عمه ای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت نمودند.

حضرت معصومه علیها السلام سفر خود را از شهر مدینه آغاز و از کوفه، نجف، بغداد و کاظمین عبور و برنامه داشت از بغداد به شهر ری برساند اما این سفر درساوه ناتمام می ماند. در مورد همراهان حضرت معصومه در این سفر اختلاف است. با توجه به قرائن، به نظر می رسد که حضرت در این سفر تنها نبوده اند.

رنج و مشقت حضرت

کاروان به شهر ساوه رسید و عده ای از مأموران حکومت که به ساوه آمده بودند، با کاروان حضرت به جنگ پرداختند که تقریباً همه مردان کاروان به شهادت رسیدند و حتی به نقلی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را نیز مسموم کردند.

بعضی نیز نوشته اند: پس از حمله دشمنان اهل بیت علیها السلام به کاروان، حضرت معصومه علیها السلام از دیدن پیکرهای غرق به خون همراهان خود، به شدت غمگین و بیمار شدند و از اطرافیان خود سؤال کرد: تا قم چقدر راه است؟ آنان عرض کردند: ۱۰ فرسخ. آن حضرت دستور می دهد که کاروان به سمت قم حرکت کند. زیرا از پدر بزرگوارشان شنیده بودند که شهر قم مرکز شیعیان ما است. برای اینکه کاروان به قم برسد، وارد تفرش می شود. هم اکنون در تفرش امامزاده هایی وجود دارد که از فرزندان بی واسطه یا با واسطه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام هستند و وجود این امامزاده ها خبر از این می دهد که به احتمال زیاد، این امامزادگان از کاروانیان حضرت معصومه علیها السلام بوده اند که در اثر حمله عباسیان یا در اثر جراحات حمله قبلی آنها در میان راه به شهادت رسیده اند.

موسی بن خزرج، بزرگ خاندان اشعری، زمانی که از کاروان حضرت معصومه علیها السلام مطلع شد، شتابان همراه عده ای از محبان اهل بیت علیها السلام به استقبال کاروان شتافت و زمام شتر آن حضرت را گرفت و به سمت قم حرکت داد و به منزل خود آورد و حضرت را در منزل خود جای داد.

ورود به شهر قم

موسی بن خزرج، بزرگ خاندان اشعری، زمانی که از کاروان حضرت معصومه علیها السلام مطلع شد، شتابان همراه عده ای از

صالح خدا در برابر ذات پاک الهی است. حجره ای که آن حضرت در مدت اقامتش در منزل موسی بن الخزرج در آنجا مشغول عبادت بود و هم اکنون تحت عنوان بیت النور در شهر مذهبی قم مورد توجه دوستداران اهل بیت (ع) می باشد محراب به یادگار مانده آن صغیه است

سرانجام با اندوه فراوان دیده از جهان فرو بستند. مردم قم نیز با تجلیل فراوان پیکر پاک ایشان را تشییع کردند و در محل کنونی به خاک سپردند.

منزل) در مدت ۲ ماه اکنون خسته و رنجور شهر آنها را برای استراحت برگزیده بود. آن حضرت ۱۷ یا ۱۹ روز ساکن منزل موسی بن خزرج بود و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار خود شد

عبادت حضرت معصومه (س) در محراب

حضرت معصومه (س) در مدتی که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب داده بودند و این تنها گوشه ای از یک عمر عبودیت و خضوع و خشوع آن زاده عبد

محبان اهل بیت علیه السلام به استقبال کاروان شتافت و زمام شتر آن حضرت را گرفت و به سمت قم حرکت داد و به منزل خود آورد و حضرت را در منزل خود جای داد. با ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم، مردم قم میزبان مسافری شدند که پس از پیمودن ۵۴

حضرت معصومه (س) در مدتی که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب داده بودند و این تنها گوشه ای از یک عمر عبودیت و خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاک الهی است.





شخصیت حضرت معصومه (س)

مرحوم استاد محمد رضا حکیمی

یکی از دلالتی که مأمون مجبور شد به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام تن دردهد. این بود که جامعه گرایش به آل علی داشت و مأمون به این وسیله می خواست مردم را راضی کند. دلیل دوم اینکه امام رضا علیه السلام را تحت نظر بگیرد و مسائل دیگر...

جرح جرداق با ذکر اصول و معیارهای حقوق انسان و مردم در اسلام علل گرایش ایرانیان به تشیع را عدالت گرایی های راستین علویان برمی شمارد.

نهیضت های علوی، شورش ها و قیام های زید و یحیی و ابراهیم طباطبایا و... دلیل بر این است که علیه بیداد خلفا مردم شورش هایی داشته اند و در راه برقراری عدالت اسلامی و عدل علوی تلاش می کرده اند. همه این موارد زمینه های آمدن امام رضا علیه السلام و آمدن خواهران، برادران ایشان و از جمله حضرت معصومه به ایران شد.

یکی از دلالتی که مأمون مجبور شد به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام تن دردهد. این بود که جامعه گرایش به آل علی داشت و مأمون به این وسیله می خواست مردم را راضی کند. دلیل دوم اینکه امام رضا علیه السلام را تحت نظر بگیرد و مسائل دیگر...

استاد بزرگوار بفرمایید علل هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم چیست؟

جریان هجرت حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام و همه امام زاده ها به ایران مولد گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع است. ظلم ها و تبعیض های شاهان، موبدان عامل استقبال مردم از اسلام شد. اسلام در بین مردم ایران نه با شمشیر، بلکه با این دعوت پذیرفته شد. اما اسلامی که ایرانیان دنبال آن می گشتند در خلفای اموی و عباسی دیده نشد و همان تبعیض ها و شیوه های شاهان ایران به شکلی بدتر در این حکومت ها وجود داشت. ایرانیان به خاطر عدالت واقعی که در حاکمیت نمونه امام علی علیه السلام وجود داشت پیرو و متمایل به حکومت امام علی شدند. به همین دلیل است که نهضت ابومسلم خراسانی از ایران آغاز شد و امویان را از بین برد و بعد از آن مجدداً عباسیان آمدند و مردم احتمال دادند که آنها به عدالت رفتار کنند، اما بعداً دیدند که اصلاً آنها از جوهره عدالت فاصله دارند و جز تبعیض، امتیاز خواهی، باج خواهی، اشراف گری، تنعم، کسری گری و قیصر گری چیز دیگری در کار آنان نیست، مجدداً متمایل به تشیع علوی شدند.

جریان هجرت حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام و همه امام زاده ها به ایران مولد گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع است.

استاد بفرمایید علاوه بر زمینه های سیاسی - اجتماعی آیا زمینه های باطنی و معنوی نیز دخیل بوده است؟

بله زمینه های باطنی و معنوی قطعاً در کار دخیل بوده است. چون ائمه درباره حضرت معصومه علیها السلام قبل از تولد ایشان صحبت کرده اند و حتی در حدیث معراج هم هست که پیامبر یک نقطه بسیار نورانی را در زمین دیدند که به ایشان گفتند اینجا قم است که مرکز دین خواهد شد. در روایتی دیگر نیز داریم که علم از نجف غروب خواهد کرد و از قم بیرون خواهد آمد.

ائمه درباره حضرت معصومه علیها السلام قبل از تولد ایشان صحبت کرده اند و حتی در حدیث معراج هم هست که پیامبر یک نقطه بسیار نورانی را در زمین دیدند که به ایشان گفتند اینجا قم است که مرکز دین خواهد شد.

مجموعه فرمایشات ائمه طاهرين مشخص می کند که قم یکی از مراکز تشیع در آخر الزمان خواهد شد، به خصوص که این امر در این اواخر بیشتر تجلی کرده است. دعبل خزائی شاعر معروف شیعی بعد از آن که قصیده معروف خود را خدمت امام رضا علیه السلام خواند و صله دریافت کرد به قم آمد،

جرح جرداق با ذکر اصول و معیارهای حقوق انسان و مردم در اسلام علل گرایش ایرانیان به تشیع را عدالت گرایی های راستین علویان برمی شمارد و بعد می گوید: وللهذا المبادی کانت لجمهیر التشیع؛ یعنی همین اصول به ائمه و آل علی علیه السلام ارادت عمیق پیدا کردند. البته علل جزئی تری نیز وجود داشت مانند به اسارت در آمدن دختر یزدگرد و همراهان آنها به دست نیروهای اسلام که وقتی آنها به نزد عمر آوردند، اسرا به فارسی صحبت می کردند، عمر پدران آنان را لعن کرد و سپس دستور داد گردن آنها را بزنند، اما امام علی علیه السلام فرمود که آنها را نکشید بلکه چون این اسرا از شاهزادگان هستند، اجازه دهید آنها خودشان تصمیم بگیرند که کدام یک از شما را انتخاب کنند، دختر یزدگرد (شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام)، امام حسین علیه السلام را انتخاب کردند و نزد ایشان ماندند.

ایرانیان به خاطر عدالت واقعی که در حاکمیت نمونه امام علی علیه السلام وجود داشت پیرو و متمایل به حکومت امام علی شدند.



در امام زاده ها یک درجه بندی هایی هست. بعضی از امام زاده ها در حد بالاتری هستند. هر چند که علم آنها مانند ائمه لدنی و الهی نیست ولی به دلیل آموزش هایی که در دامن ائمه و خانواده وحی دیده اند تفاوت های قابل توجهی داشته اند

آیا لقب "معصومه" مأثور از معصوم است؟

مقام عصمت آن ولایت کلی است که ویژه چهارده معصوم است که از میان زنان فقط حضرت فاطمه زهرا داشته اند و بالاترین زن حضرت زینب گره ممکن است، این مقام را در عمل کسب کرده باشند ولی مقام عصمت تنها عصمت عملی نیست بلکه حقیقتی است که همان مقام ولایت تکوینی است.

روایتی که لقب معصومه را ائمه اطهار به حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام داده اند. دلیل بر عصمت ایشان نیست. گرچه این بانوی عزیز حتی تارک یک مستحب هم نبوده اند ولی آن مقام عصمت و تصرف در کائنات که ویژه چهارده معصوم است در ایشان نیست.

حضرت معصومه از آن گروه امام زادگانی است که با همان سن کم یک باطن روح القدسی، والا و عجیبی داشته اند که به چهره ای تبدیل شدند که نزدیک ترین جنسیت و گوهر را به مقام عصمت داشته باشند.

حضرت معصومه از آن گروه امام زادگانی است که با همان سن کم یک باطن روح القدسی، والا و عجیبی داشته اند که به چهره ای تبدیل شدند که نزدیک ترین جنسیت و گوهر را به مقام عصمت داشته باشند.

محدثینی که از قدیم الایام و از اوایل دوران ائمه تا کنون بوده اند و نقل کرده اند و قم مرکز حدیث ائمه بوده است.

مردم اطراف او را گرفتند که باید از آن سهم به ما هم بدهید. ریشه های این موضوع برمی گردد به محدثینی که از قدیم الایام و از اوایل دوران ائمه تا کنون بوده اند و نقل کرده اند و قم مرکز حدیث ائمه بوده است. مجموعه این مسائل می رساند که این شهر یک مرکزیت مهم داشته است. حضرت معصومه علیها السلام آمده اند تا با هجرت خود و با مقبره خود، این مرکزیت را بنیادی تر و استوارتر کنند. این باطن قضیه است و بیمار شدن ایشان در ساوه و عوامل بیماری آن و... تا فوت ایشان در قم، ظاهر قضیه است.

حضرت معصومه علیها السلام آمده اند تا با هجرت خود و با مقبره خود، این مرکزیت را بنیادی تر و استوارتر کنند. این باطن قضیه است و بیمار شدن ایشان در ساوه و عوامل بیماری آن و... تا فوت ایشان در قم، ظاهر قضیه است.

استاد بفرماید علت برتری حضرت فاطمه معصومه در بین دیگر امامزادگان چیست؟

در امام زاده ها یک درجه بندی هایی هست. بعضی از امام زاده ها در حد بالاتری هستند. هر چند که علم آنها مانند ائمه لدنی و الهی نیست ولی به دلیل آموزش هایی که در دامن ائمه و خانواده وحی دیده اند تفاوت های قابل توجهی داشته اند، مانند حضرت علی اکبر که درجه بالایی داشته اند، حضرت قاسم با سن کم از نظر معرفت و شناخت انسان مقام بسیار والایی داشته اند و همین جمله که می گویند "مرگ در نزد من از عسل شیرین تر است"، شوخی نیست، و یک کلام کود کانه نیست.



شان حضرت معصومه (س) مصاحبه با استاد علی اصغر فقیهی

با تشکر از این که وقت عزیزتان را در اختیار ما قرار دادید لطف بفرمایید در رابطه با شان و موقعیت حضرت فاطمه معصومه محضرتان استفاده کنیم.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دخترهای متعددی به نام فاطمه داشتند و حضرت معصومه افضل از همه آنها بود. مقام حضرت معصومه خیلی بالاست و درباره ایشان روایاتی معتبر حتی قبل از تولد هست که در قم دفن می‌گردد. این‌ها نشان می‌دهد مقام ایشان در بین امام زادگان بالاتر است. این که علو درجه ایشان برای این است که تقوای بیشتری دارند یا این که ایشان جزء راویان حدیث است یا امر دیگری؟ علی القاعده مقام معنوی حضرت معصومه به استثنای حضرت زهرا و حضرت زینب علیهما السلام در بین زنان از همه امامزادگان بالاتر است.

مقام معنوی حضرت معصومه به استثنای حضرت زهرا و حضرت زینب علیهما السلام در بین زنان از همه امامزادگان بالاتر است.

تفاوتی که حضرت معصومه با امام زادگان دیگر دارد این است که امام صادق علیه السلام قبل از به دنیا آمدن حضرت از تولد ایشان خبر داده. ایشان فرزند بلافصل امام است. ایشان جزء معصومین نیست ولی خوب عملاً معصوم بوده چون مرتکب خطایی یا گناهی نشده او هم عملاً معصوم است. اما جزء چهارده معصوم نیست.

چه ویژگی خاصی در ایشان وجود داشته که امام صادق علیه السلام قبل از تولد پدرشان این خبر را دادند ولی در رابطه با امام زادگان دیگر این گونه نیست؟

یقیناً در خلقت ایشان، در وجود ایشان و در اعمال ایشان امتیازی است، که این درجه به ایشان داده شده است. در رابطه با معصومین به طور قطع نمی‌توان سخن گفت مگر این که از طرف معصوم درباره فضیلتی از فضائل ایشان یا امتیازات ایشان روایت مستند و قابل قبولی ذکر شده باشد.

به نظر جنابعالی انگیزه حرکت و علت هجرت حضرت به قم چه بوده است؟

آن طور که در کتاب‌ها آمده است، چون حضرت امام رضا علیه السلام توفیقش در خراسان طول کشید و حضرت معصومه علیها السلام نسبت به حضرت رضا علیه السلام علاقه خاصی داشت به موجب این علاقه برای دیدار برادر هجرت کرد. حضرت در ساوه مریض شدند و سؤال کردند که از این جا تا قم چند فرسخ است سپس فرمود مرا به قم ببرید. حضرت را در حالی که بیمار بود به قم آوردند و در قم از دنیا رحلت فرمود. این سعادت قمی‌ها بود که ایشان برای دیدار برادر به ایران بیایند و بعد در قم دفن شوند. امتیاز قم این است که اسلام از همان ابتدا با مذهب تشیع وارد قم شد علت اینکه قمی‌ها از اول شیعه بودند این است که دین اسلام به وسیله اشعری‌ها که تابع تشیع بودند وارد قم شد. پس از آن قمی‌ها به عنوان اتباع ائمه دوازدهگانه شناخته شدند چون در واقع پایه گذار مذهب تشیع از نظر اخبار و احادیث حضرت صادق علیه السلام بودند. قمی‌ها اسلام را به مذهب تشیع پذیرفتند. هیچ زمانی مردم قم تابع مذاهب دیگر نبودند. و این برای قم امتیازی بالائی است.

قمی‌ها اسلام را به مذهب تشیع پذیرفتند. هیچ زمانی مردم قم تابع مذاهب دیگر نبودند. و این برای قم امتیازی بالائی است.





اسلام علیک یا فاطمه المعصومه

جایگاه والای فاطمه معصومه در منظومه معرفتی امام خمینی

جایگاه والای فاطمه معصومه

اسلامی امام خمینی نیز یکی از مراکز آن به شمار می‌آید؛ در اسفند ۱۳۴۱ امام خمینی در جمع مردم قم و زائران حضرت معصومه (س) سخنرانی مبسوطی کرد و درباره همه‌پرسی فرمایشی محمدرضا پهلوی به مردم هشدار داد. (امام خمینی، صحیفه) همچنین در سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ مصادف با عاشورای ۱۳۸۳ ق

حرم شریف در نهضت مشروطه نقش آفرین بود و در نهضت اسلامی امام خمینی نیز یکی از مراکز آن به‌شمار می‌آید؛

امام خمینی در قصیده‌ای فاطمه معصومه (س) را معجزه امام کاظم (ع) و جلوه‌ای از نور پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) دانسته است؛ نوری که مایه آبروی ممکنات است. ایشان اوصاف و کمالات فراوانی را در کنار فاطمه زهرا (س) برای فاطمه معصومه (س) نیز برشمرده که به خوبی گویای جایگاه والا و متمایز این بانوی جلیل‌القدر از خاندان پیامبر (ص) در منظومه معرفتی امام خمینی است.

امام خمینی همانند دیگر علما و بزرگان، زیارت فاطمه معصومه (س) را عبادت می‌دانست و به زیارت ایشان توجه ویژه نشان می‌داد و به ایشان توسل می‌جست و ضریح حضرت را می‌بوسید و قم را بهشت برین نامیده و وجود فاطمه معصومه (س) را موجب نورانیت و قداست آن می‌دانست.

امام خمینی در قصیده‌ای فاطمه معصومه (س) را معجزه امام کاظم (ع) و جلوه‌ای از نور پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) دانسته است

امام خمینی با توجه به روایات نقل شده درباره اهمیت قم، این شهر را بهشت برین نامیده و وجود فاطمه معصومه (س) را موجب نورانیت و قداست آن دانسته است. ایشان در پاسخ توهین و شبهه‌افکنی علی‌اکبر حکمی‌زاده در کتاب اسرار هزارساله درباره مزارهای اولیای خدا از جمله فاطمه معصومه (س) یاد آور شده حرم آن حضرت از عبادت‌گاه‌های بزرگ شیعیان است که شبانه‌روز در آن خانه، مردم به ذکر خدا مشغول‌اند و توهین به چنین مسجد و معبدی جز کینه به فرزندان علی (ع) ریشه‌ای ندارد. (امام خمینی، کشف اسرار، ۲۷۰)

حرم آن حضرت از عبادت‌گاه‌های بزرگ شیعیان است که شبانه‌روز در آن خانه، مردم به ذکر خدا مشغول‌اند و توهین به چنین مسجد و معبدی جز کینه به فرزندان علی (ع) ریشه‌ای ندارد

سخنرانی و به هتک حرمت مدرسه فیضیه و اذیت و کشتن طلاب به شدت اعتراض کرد و از زائران خواست که به مدرسه فیضیه بروند و جناب‌های مأموران رژیم پهلوی را از نزدیک ببینند (امام خمینی، صحیفه)

در اوائل دوره تبعید امام خمینی در ضمن دعای توسل و سخنرانی در حرم حضرت معصومه (س) از امام خمینی به عنوان مرجع دور از وطن یاد و برای سلامتی ایشان دعا می‌کردند و سخنرانان بعد از سخنرانان با تغییر لباس فراری می‌کردند. در برخی از شب‌ها مراسم به تظاهرات تبدیل می‌شد و جمعیت از صحن بزرگ وارد فیضیه می‌شدند. (روحانی، خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی،)

در نوروز ۱۳۴۴ هم‌زمان با تحویل سال، طلاب انقلابی در حرم فاطمه معصومه (س) دعای توسل برگزار کردند و طلبه‌ای به نام غلام‌حسین فلاح یزدی با سخنرانی کوتاه با اشاره به قیام پانزده خرداد به تبعید امام خمینی و بازداشت تعداد بسیاری از روحانیان انقلابی اعتراض کرد که با واکنش مأموران مواجه شد. نیروهای رژیم در چند نوبت به این مراسم حمله کردند و تعدادی از شرکت‌کنندگان در مراسم دعا بازداشت و زندانی شدند؛ چنان‌که در یک نوبت هجده نفر بازداشت و روانه زندان شدند تا آنکه مأموران دولتی این جلسه را تعطیل کردند. (رحیمیان، در سایه آفتاب، ۲۶) در سال ۱۳۵۴ نیز طلاب در بزرگداشت پانزده خرداد ۱۳۴۲ تظاهراتی در میدان آستانه و مدرسه فیضیه برگزار کردند که تعدادی مجروح و بازداشت شدند

حرم فاطمه معصومه (س) کانون مبارزات انقلابی امام خمینی

حرم شریف در نهضت مشروطه نقش آفرین بود و در نهضت

ماجرای بازسازی گنبد حرم حضرت معصومه سلام الله علیها



مصاحبه با آیت الله مسعودی خمینی از شاگردان قدیمی حضرت آیت الله بهجت قدس سره تولیت محترم آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰

که دارم می گویم، خب من پول که ندارم، طلا می خواهد ندارم، نمی دانم

چقدر پول مزد می خواهد و اینها. گفتم چشم آقا چشم! شاید چشم های اینجوری هم می گفتیم دیگر، ایشان یک وقت صدا کرد علی آقا! پنج میلیون تومان بدهید به ایشان برای طلاکاری گنبد. من در دل خودم گفتم آقا! ما چند میلیارد تومان پول می خواهیم، بعد شما پنج میلیون تومان می دهید! چه تناسبی دارد؟!

آقا فرمودند: علی آقا! پنج میلیون تومان دیگر هم به ایشان بدهید، ده میلیون تومان برای خرج گنبد. خب ما آمدیم و ایشان هم ده میلیون تومان ریختند به حساب آستانه برای گنبد. من فکر کردم که آخر ما که پولی نداریم، با ده میلیون تومان نمی توانیم کار بکنیم. یک دو سه روزی گذشت.

ایشان فرمودند که خدا پولش را می رساند، کار درست می شود. گفتم چشم آقا! من متوجه شدم که قطعاً یک راهی هست.

علی آقا ایندفعه زنگ زد گفت آقا می فرمایند بیاید اینجا! من رفتم ایشان فرمودند: چرا شروع نمی کنید گنبد را؟! خراب است! درستش کنید دیگر! عرض کردم آقا! آخر با ده میلیون تومان؟! ایشان فرمودند که خدا پولش را می رساند، کار درست می شود. گفتم چشم آقا! من متوجه شدم که قطعاً یک راهی هست. ما در حدود دو سه سال قبل از این جریان، یک زمینی در تهران خریده بودیم که بسازفروش بکنیم و منافعش را بیاوریم اینجا صرف بکنیم، این نیمه تمام مانده بود، ما پول نداشتیم خرجش بکنیم، کسی هم نمی خرید.

در فکر بودم که یک آقایی زنگ زد از تهران. گفت: آقا من شنیده ام شما یک ساختمان نیمه تمام دارید من آماده ام برای خریدش، بگیرم تمامش کنم. ما هم که خب از خدا

دو سه روز گذشت زنگ زدند که برای شما طلا گذاشتیم هشتصد میلیون تومان پولش می شود! دقت کنید جریان ها را! من واقعاً یک مقداری تکان خوردم که چی هست جریان؟! از کجا اینها درست می شود؟

می خواستیم، گفتم خیلی خب، گفت پس من کی بیایم، گفتم شما دو سه روز دیگر بیا اینجا با هم صحبت می کنیم. آمد صحبت کردیم و بالاخره اینجا را خریدند. هشتصد میلیون تومان شد که به ما بدهد. بنا شد که خوب امور محضری و قانونی اش درست بشود و پول را بریزند به حساب. در ضمن

لطفاً بفرمایید ماجرای بازسازی گنبد حرم مطهر به توصیه حضرت آیت الله بهجت قدس سره چگونه بود؟

با تشکر از شما، روزی رفتم بالای پشت بام گنبد بینم گنبد چه خبر است. متوجه شدم که پوسته رو که طلائی است، از پوسته زیری جدا شده حدود یک مقداری فاصله گرفته، ممکن است خراب شود، خیلی نگران شدم. به معاون اداری گفتم به یک نفر متخصص بگو برآورد کند تعمیر گنبد چقدر پول می خواهد؟ چقدر زمان می برد؟ طلا چقدر می خواهد؟

علی آقا، پسر آیت الله بهجت به من زنگ زد که بیاید اینجا، به محض اینکه از در رفتم آقای بهجت به من فرمودند: فلانی! چرا این گنبد را درست نمی کنید! این گنبد دارد خراب می شود! من تعجب کردم مگر ایشان رفته بالای گنبد دیده گنبد را که دارد خراب می شود،

یکی از استاد های فن مهندسی آمد و گفت: آقا جان! این فلان مقدار طلا می خواهد، فلان مقدار مس می خواهد، حدود ۴۰۰، ۵۰۰ میلیون تومان هم دستمزد، چهار سال هم کار طول می کشد.

من به ایشان گفتم، ما که پولش را که نداریم! چهار سال هم که وقت می خواهد، معلوم نیست عمرش را داشته باشم، پول هم که نداریم، پس رهایش می کنیم، ولش کنید هر چه خدا خواست.

من فکر کردم که آخر ما که پولی نداریم، با ده میلیون تومان نمی توانیم کار بکنیم. یک دو سه روزی گذشت. علی آقا ایندفعه زنگ زد گفت آقا می فرمایند بیاید اینجا!

یکی دو روز گذشت. علی آقا، پسر آیت الله بهجت به من زنگ زد که بیاید اینجا، به محض اینکه از در رفتم آقای بهجت به من فرمودند: فلانی! چرا این گنبد را درست نمی کنید! این گنبد دارد خراب می شود! من تعجب کردم مگر ایشان رفته بالای گنبد دیده گنبد را که دارد خراب می شود، کسی هم که دیروز تابه حال به ایشان خبر نداده که گنبد دارد خراب می شود. فرمودند: بله، این گنبد را شما درست کنید! این گنبد دارد خراب می شود و خدا پولش را هم می رساند. بعد هم فرمودند: خدا عمرش را هم می دهد. بدون اینکه ما یک کلمه صحبت بکنیم. اینجا چیزهایی است که خودم بودم و دیدم و من متوجه شدم که خب ایشان دارد به ما می گوید که باید انجام بشود، خدا درستش کنید.

گفتم: چشم آقا انشاء الله. اما در فکر خودم این بود که چشمی

می‌دهم. خیلی خوشحال شدیم بعد از آن تجهیزات آبکاری طلاکاری را خریدیم، خوب حالا استاد طلاکاری می‌خواهد. به استاد طلاکاری در مشهد که گنبد علی ابن موسی‌الرضا علیه‌السلام را طلاکاری کرده زنگ زدیم گفت من اینجا رسمی هستم در پیشگاه علی ابن موسی‌الرضا علیه‌السلام کار می‌کنم و نمی‌توانم اینجا را رها کنم مدتی گذشت. که دیدم خود آن آقا که در بخش طلاکاری مشغول بود، زنگ زده که من بازنشسته شدم.

من نمی‌دانم آقای بهجت مثل اینکه همه اینها را می‌دیده! پولش می‌رسد! ناراحت نباش! چند میلیون تومان داد چند و طلای جدید، گنبد طلاکاری شده، دو سال و نیم هم بیشتر طول نکشید! دو سال و نیم!

مطالب را به مقام معظم رهبری گفتم، ایشان فرمود هر چه آیه‌الله بهجت بگویند من چشم‌پسته قبول می‌کنم ولی پول ندارم که بدهم گفتیم آقا پول به اندازه هست. یک مقداری هم اضافه آمد که با آن ایوان را طلا کردیم، طلای ایوان مال ده بیست سال قبل بود، از بین رفته بود همه را برداشتیم با بهترین مقرنس کاری طلاکاری اش کردیم.

در همین حین آقای زد گفت که هرچه مزد باشد من می‌دهم. خیلی خوشحال شدیم بعد از آن تجهیزات آبکاری طلاکاری را خریدیم.

این کارها زنگ زدیم به آقای رئیس‌جمهور وقت که ما می‌خواهیم طلای گنبد را عوض بکنیم شما دستور بدهید به بانک مرکزی طلا به ما بدهند، حداقل سود از ما نگیرند، با همان پولی که خریده‌اند به ما بدهند.

مدتی گذشت. که دیدم که خود آن آقا، در بخش طلاکاری مشغول است، زنگ زده که من بازنشسته شدم. من نمی‌دانم آقای بهجت مثل اینکه همه اینها را می‌دیده! پولش می‌رسد! ناراحت نباش! چند میلیون تومان داد چند میلیارد تومان خرج کردیم.

ایشان گفتند شما باید بروید پیش آقای نوریبخش رئیس کل بانک مرکزی وقت، با ایشان صحبت بکنید. من رفتم پیش آقای نوریبخش، گفتم ما طلای بیست و چهار عیار می‌خواهیم، ایشان گفت اجازه بدهید من با رئیس‌جمهور صحبت بکنم و مجوز بگیرم.

دو سه روز گذشت زنگ زدند که برای شما طلا گذاشتیم هشتصد میلیون تومان پولش می‌شود! دقت کنید جریان‌ها را! من واقعا یک مقداری تکان خوردم که چی هست جریان؟! از کجا اینها درست می‌شود؟ زنگ زدیم به آن آقای مشتری ساختمان که آقا پول ما را بریز به حساب بانک مرکزی. به طوریکه اصلاً ما پول نگرفتیم. هشتصد میلیون تومان را ریختند به حساب بانک مرکزی بابت طلا.

در همین حین آقای زد گفت که هرچه مزد باشد من



ویژگی های ممتاز حضرت معصومه (س) برای زنان مسلمان

مصاحبه با حجت الاسلام مرتضی ادیب یزدی

حضرت معصومه (س) تمام دوران کودکی و نوجوانی خود را در فراق پدر گذراند. در حالی که می دانست پدر در زندان است و تحت شکنجه های متعدد قرار می گیرد؛ ولی صبر و بردباری و امیدواری که در وجود ایشان بوده از شگفتی هاست چون حضرت معصومه (س) با پدر ارتباط بسیار عمیق و جانانه ای داشت و تحمل و صبر ایشان ستودنی است، هرگز در زندگی امید خود را از دست ندادند.

گفت و گو ای با حجت الاسلام ادیب یزدی، پیرامون ابعاد شخصیتی حضرت معصومه (س) داریم که به استحضار شما می رسد

با سلام و ادب بفرمایید به نظر شما چه ویژگی هایی در شخصیت حضرت معصومه (س) بود که می شود ایشان را به عنوان الگو و سرمشق معرفی کرد؟

همواره حضرت معصومه (س)، به عنوان الگویی که ویژگی های کاربردی دارند مطرح شده است. علما و مراجع بسیاری در مقابل ایشان زانوی ادب زده و دست به دامان کرم ایشان شده اند. شخصیت والای ایشان سبب شده که بعد از امام رضا (ع) برترین فرزند امام کاظم (ع) شناخته شوند. عالمه بودن و همراهی ایشان با امام زمان خود، از نکات ارزنده شخصیتی ایشان است که نه تنها ایشان را برای دختران جامعه الگو می سازد، بلکه مردان نیز در ولایت مداری باید از ایشان الگوبرداری کنند.

صبر و بردباری و امیدواری که در وجود ایشان بوده از شگفتی هاست چون حضرت معصومه (س) با پدر ارتباط بسیار عمیق و جانانه ای داشت و تحمل و صبر ایشان ستودنی است، هرگز در زندگی امید خود را از دست ندادند.

فعالیت سیاسی و اجتماعی حضرت معصومه (س) در عصر خفقان عباسی چگونه بوده است؟

ویژگی بارز دیگر این بانوی بزرگوار، فعالیت های سیاسی ایشان بوده است. پس از اینکه امام رضا (ع) به مرو آمدند، حضرت معصومه (س) نه ماه بیشتر در مدینه نماندند و به همراهی برادران و برادرزاده های خود به سمت مرو رهسپار شدند. در این هنگام ایشان هدف از هجرت را یاری رساندن به امام زمان خود مطرح کردند. حضرت معصومه (س) خود را فدای حقیقت ولایت کرده و در رابطه با دو امام عصر خود، یعنی پدر و برادر، تمکین داشته و تسلیم مطلق بودند و از ایشان الگوبرداری می کردند

شخصیت والای ایشان سبب شده که بعد از امام رضا (ع) برترین فرزند امام کاظم (ع) شناخته شوند. عالمه بودن و همراهی ایشان با امام زمان خود، از نکات ارزنده شخصیتی ایشان است که نه تنها ایشان را برای دختران جامعه الگو می سازد، بلکه مردان نیز در ولایت مداری باید از ایشان الگوبرداری کنند.

راجع به فعالیت علمی ایشان برای ما توضیح دهید

عالم بودن حضرت معصومه (س) یکی از ویژگی های کاربردی ایشان می باشد. برخی اینگونه جلوه می دهند که اسلام با علم آموزی زنان موافق نیست حال آنکه زنانی در اهل بیت بودند که عالمه بوده و فعالیت های علمی انجام می دادند. درباره علم حضرت معصومه (س) نیز نکاتی در تاریخ ثبت شده است. در زمانی که امام موسی کاظم (ع) در زندان بودند، بسیاری از علما، مراجع و دانشمندان نزد حضرت معصومه (س) آمده و سوالات خود را می پرسیدند و حضرت به مشکلات علمی مراجعان پاسخ می دادند

ایشان در این مسیر مجاهدت فراوانی داشتند که در تاریخ ثبت شده است. از جمله این که در مسیر چهار درگیری جدی با نظامیان عباسیان شده و در این درگیری ۵ برادر خود و تعدادی از برادرزاده های خود را از دست دادند. حضرت در هجرت ترویجی و تبلیغی خود، در تثبیت امامت حضرت رضا (ع) در مقابل واقفیه نیز نقش بسزایی ایفا کردند. از آنجا که حضرت معصومه (س) دائم در مبارزات و مجاهدت با دستگاه ظلم بنی عباس بودند؛ فرصتی برای ازدواج نیافتند.

زمانی که امام رضا (ع) قصد رفتن به مرو را کردند؛ علما و فرهیختگان نزد امام آمده و گفتند از این پس سوالات علمی خود را از چه کسی پرسیم؟ امام حضرت فاطمه معصومه (س) را معرفی کرده و فرمودند در نبود من معصومه پاسخگوی سوالات شما می باشد و اینگونه بود که امام رضا (ع) ایشان را تایید کردند.

ویژگی دیگر حضرت معصومه (س) پایبندی به خانواده بود که در جامعه امروز خود بسیار به آن نیازمندیم. حضرت از کودکی با وجود عدم حضور پدر، و با وجود سختی های سختی های بسیار در خانواده، همواره در کنارشان بوده

راجع به پایبندی ایشان به خانواده برای ما بفرمایید

ویژگی دیگر حضرت معصومه (س) پایبندی به خانواده بود که در جامعه امروز خود بسیار به آن نیازمندیم. حضرت از کودکی با وجود عدم حضور پدر، و با وجود سختی های

یکی از ویژگی آن حضرت صبر و امیدواری بود در این خصوص چه مطالبی هست؟

واقفیه هفت امامی بودند و معتقد بودند با شهادت امام موسی کاظم(ع) امامت خاتمه یافته است. ولی حضرت معصومه(س) برای تثبیت امامت حضرت رضا(ع) تلاش بسیاری کردند که نشأت گرفته از ولایت‌پذیری ایشان بوده است. حضرت معصومه(علیهاالسلام) خود را فدای حقیقت ولایت کرده بودند و در رابطه با دو امام عصر خود، یعنی پدر و برادر، تمکین کرده و تسلیم مطلق بودند. و از ایشان الگوبرداری می‌کردند.

جایگاه حضرت معصومه(س) به عنوان الگوی جامعه اسلامی را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

ایشان هدف و مقصد را می‌شناختند و در جهت رسیدن به مقصد، هر بلایی را به جان می‌خوردند. حضرت در زندگی ۲۸ ساله خود کاملاً می‌دانستند دنبال چی هستند و هدف معلوم و معین بود و از این شاخه به آن شاخه نمی‌پریدند. اینگونه نبودند که یکبار افراط کنند و یکبار تفریط. با یک حرکتی بر مبنای شناخت مقصد و هدف با طراحی متعادل بر مبنای آموزه‌های امام معصوم(ع)، مراحل مختلف مبارزه و رسیدن به مقصد را گذرانند

بعد از حضرت زهرا(س) از جهت مقام علمی و عصمت و حضرت زینب(س) در مقام مجاهدت، بزرگان و اهل تحقیق حضرت فاطمه معصومه(س) را بانوی تراز عالم اسلام و دنیای شیعه می‌شناسند. ایشان چنان زندگی هدفمند و شکوهمند و با نورانی‌تی داشتند که می‌تواند برای خانواده‌ها، مورد توجه قرار گرفته و از زندگی این بزرگوار نور بگیرند

بعد از حضرت زهرا(س) از جهت مقام علمی و عصمت و حضرت زینب(س) در مقام مجاهدت، بزرگان و اهل تحقیق حضرت فاطمه معصومه(س) را بانوی تراز عالم اسلام و دنیای شیعه می‌شناسند.

بسیار در خانواده، همواره در کنارشان بوده و در بزرگسالی به جهت یاری رساندن به برادر خود امام رضا(ع) و دلتنگی برای ایشان، به ایران مهاجرت کرده و هرگز خانواده را تنها نگذاشتند.

حضرت در زندگی ۲۸ ساله خود کاملاً می‌دانستند دنبال چی هستند و هدف معلوم و معین بود و از این شاخه به آن شاخه نمی‌پریدند. اینگونه نبودند که یکبار افراط کنند و یکبار تفریط.

در خصوص عفت و نجابت حضرت فاطمه برای ما بفرمایید

نام حضرت، "فاطمه" بود، اما به دلیل عفت و نجابت و پاکی "معصومه" لقب گرفته‌اند. این صفت در بین زنان مسلمان زمان ما، کمی رنگ باخته است و برخی سیر قهقرایی داشته و در رعایت احکام حجاب و ارتباط با نامحرم، دچار شک و تردید شده‌اند که البته نشانگر عدم ثبات و نداشتن هدف است. به عنوان مثال متاسفانه دیده می‌شود در فضای مجازی برخی از زنان از اهداف و چارچوب خارج و مرتکب گناه شده، با نامحرم راحت گفتگوهای نابجا دارند. بانوان مسلمان باید عفت و نجابت حضرت معصومه(س) را الگوی خود قرار دهند.

ولایت‌پذیری به عنوان یک اصل اساسی شیعه چگونه در زندگی حضرت معصومه تجلی یافت؟

حضرت تسلیم ولایت امام زمان خود بود و از فدا شدن در راه ولایت باکی نداشت. چه در زمان موسی بن جعفر(ع) و چه در زمان امامت حضرت رضا(ع) که در تثبیت امامت امام رضا(ع) در مقابل واقفیه نقش بسزایی ایفا کرد. چرا که فرقه



چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد؟

نمی‌کند (اصول کافی ج ۱)
 مرحوم قرشی نیز نقل یعقوبی را صریحاً مجعول دانسته است
 (حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلام ج ۲)
 ۲- دختران موسی بن جعفر علیه السلام در نهایت کمال
 بودند و کسی که همسنگ با آنها باشد، وجود نداشته است
 (تاریخ قم ص ۲۲۱)

این دلیل نیز قابل خدشه
 است؛ زیرا: اولاً، در آن زمان
 جوانان شایسته ای از تبار امام

حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام وجود داشتند
 که می توانستند همسنگ دختران حضرت باشند. ثانیاً، سیره
 ائمه اطهار علیهم السلام بر این نبود که به علت پیدا نشدن
 همسنگ، مانع ازدواج دختران
 خود شوند؛ بلکه آنان در عمل
 و قول، پسر و دختر مؤمن را
 کفو یکدیگر می دانستند و
 می فرمودند که اگر دین و
 تقوای پسری را پسندیدید، او
 را به همسری دختران خود
 برگزینید (وسائل الشیعه ج ۱۴)

۳- اهتمام حضرت معصومه به دفاع از ولایت و شرایط سخت
 و همچنین خفقان شدید آن عصر به نحوی بود که کسی
 جرأت ارتباط با خانواده امام موسی بن جعفر علیهم السلام
 را نداشت، چه رسد به اینکه بخواهد داماد آن خانواده شود
 که احتمال هر گونه خطر برای وی از سوی دستگاه حکومتی
 می رفت علت ازدواج نکردن
 حضرت معصومه (س) است
 غالب محققین دلیل سوم
 پذیرفته اند و معتقدند جو
 نامساعد آنها را از مواهب
 زندگی محروم ساخته است (حضرت معصومه علیها السلام
 فاطمه دوم ص ۱۱۶)

ازدواج از مستحباتی است که اسلام تأکید فراوان بر آن دارد
 سوالی مطرح می شود که چرا حضرت معصومه علیها السلام
 از این سنت حسنه که از سوی پیامبر و ائمه علیهم السلام
 فراوان سفارش شده، رویگردانی کرد و ازدواج نکرد؟
 محققین و مورخین سه دلیل برای مجرد ماندن حضرت
 معصومه علیها السلام ذکر
 کرده اند:

۱- یعقوبی پشتتاز مورخان
 شیعه می گوید: امام موسی

بن جعفر علیه السلام وصیت کرده بود که هیچ یک از
 دخترانش ازدواج نکنند. از این رو، هیچ یک از آنان ازدواج
 نکردند، مگر ام سلمه که به ازدواج قاسم بن محمد بن

جعفر بن محمد درآمد که
 به واسطه همین میان قاسم
 و خویشان اختلاف شدید
 پیش آمد (تاریخ یعقوبی ج ۲)
 سخن یعقوبی صحیح نیست؛
 زیرا: اولاً چنین وصیتی
 برخلاف سنت روشن اسلام
 و اهل بیت علیهم السلام است

ثانیاً، متن وصیت نامه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
 در کتابهای متعددی ذکر شده است و چنین موضوعی در آن
 نیست. امام در وصیت نامه خود می فرماید: «اگر کسی از
 فرزندانم بخواهد خواهر خود را عروس کند، بدون اجازه و
 دستور علی (امام رضا علیه السلام) چنین حقی ندارد». نیز
 فرمود: دخترانم نیز بدون

مصلحت و مشورت با علی
 (امام رضا علیه السلام) نباید
 عملی انجام دهند و اگر برادران
 مادری دخترانم (بدون اجازه

امام رضا علیه السلام)، در مورد ازدواج آنان تصمیم بگیرند،
 مخالفت خدا و رسولش را کرده اند؛ چون علی (امام رضا
 علیه السلام) به مصالح قومش در مسأله ازدواج از همه آگاه تر
 است؛ اگر خواست، تزویج می کند و اگر نخواست، تزویج

محققین و مورخین سه دلیل برای مجرد ماندن حضرت معصومه علیها السلام ذکر کرده اند

اهتمام حضرت معصومه به دفاع از ولایت و شرایط سخت و همچنین خفقان شدید آن عصر به نحوی بود که کسی جرأت ارتباط با خانواده امام موسی بن جعفر علیهم السلام را نداشت، چه رسد به اینکه بخواهد داماد آن خانواده شود که احتمال هر گونه خطر برای وی از سوی دستگاه حکومتی می رفت علت ازدواج نکردن حضرت معصومه (س) است

امام در وصیت نامه خود می فرماید: «اگر کسی از فرزندانم بخواهد خواهر خود را عروس کند، بدون اجازه و دستور علی (امام رضا علیه السلام) چنین حقی ندارد».



گفتگو با کارگردان «اخت‌الرضا» سفر پرماجرایی یک خواهر

زندگی و سفر حضرت معصومه (س) اما کار هر چه بیشتر پیش رفت با حمایت‌های معنوی دو آستان و حمایت‌های افرادی که عشق زیادی به حضرت داشتند، تبدیل به یک پروژه سینمایی شد.

از چالش‌های ساخت فیلم برای ما بگویید

مسائل مالی یکی از چالش‌های این اثر بود با وجود سختی‌هایی که داشتیم کار را شروع کردیم نام حضرت معصومه (س) و امام حسین (ع) بسیار دلگرمی به ما می‌داد دست‌های پنهان این دو عزیز، ما را در مسیری که به صلاح بود، قرار داد.

چگونه تیم خود را انتخاب کردید؟

زمانی که کارگردان تصمیم به ساخت یک اثر می‌گیرد، برایش بسیار اهمیت دارد که با چه تیمی کار کند. بخشی از عوامل به انتخاب خود بود و بخشی دیگر حتماً برای این کار انتخاب شده بودند و کار برای این بانو روزی آن‌ها بود.

از چه منابعی برای ساخت فیلم استفاده کردید؟

منابع اصلی فیلم عبارت بود از کتاب‌های مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، تاریخ قم حسن ابن محمد قمی و کتاب حضرت معصومه (س) فاطمه دوم محمد مهدی اشتهاردی

سفر حضرت معصومه (س) چه تأثیر فرهنگی داشت؟

علیرغم ذهنیتی که دشمنان دارند و می‌گویند که زن مسلمان ورود و ظهور اجتماعی ندارد، این فیلم روایتگر کارکرد زینب وار حضرت معصومه (س) و دیگر ارحام مطهره است. تأثیر فرهنگی سفر ایشان باعث شد که مجاهدت و مظلومیت برادرشان؛ امام رضا (ع) حفظ شود.

فیلم «اخت‌الرضا» حرکت کاروان حضرت معصومه (س) را از مدینه تا قم به تصویر کشیده است و با همکاری حرم مطهر امام حسین (ع) و آستان مقدس حضرت معصومه (س) و با مشارکت حوزه هنری تولید شده است. سیدمجتبی طباطبایی، کارگردان فیلم «اخت‌الرضا» دارای آثار زیادی از جمله سریال، تله فیلم و مجموعه‌های داستانی کوتاه و بلند است از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به فیلم‌های داستانی «قرار» و «یادت باشد»، سریال‌های «حیات خلوت»، «تار و پود» اشاره کرد. فیلم «اخت‌الرضا» روایت سفری اجباری از مدینه به مرو است که برای دیدار یک خواهر و برادر شکل می‌گیرد و با محوریت زندگی حضرت فاطمه معصومه (س) ساخته شده است.

جناب آقای طباطبایی راجع به ماجرای فیلم برای ما توضیح دهید

با سلام خدمت شما به عرض می‌رسانم قرار بود که این سفر بی‌دردسر انجام بشود اما کاروان هر چه به راه خود ادامه می‌دهد، ماجرا شکل دیگری به خود می‌گیرد و دامنه تغییرات این سفر، سرنوشت همسفران را نیز دربر می‌گیرد. در واقع این فیلم روایت ماجرای سفر از منظر سه همسفر را بیان می‌کند. نفر اول مأمور احضار و بدرقه دستگاه بنی عباس که کاروان را بدرقه می‌کند، نفر دوم اسحاق ابن موسی، برادر حضرت معصومه (س) و امام رضا (ع) به عنوان قافله سالار هاشمی و نفر سوم یک دختر جوان کارآموز طب که هم خادم حضرت و هم به نوعی نسبت سببی با ایشان دارد. معذوریت نشان دادن چهره حضرت معصومه (س) باعث شده برای روایت این فیلم از این سه شخصیت استفاده شود.

برنامه ساخت فیلم چگونه شروع شد؟

این پروژه در حقیقت یک طرح مستند ۳۰ دقیقه‌ای بود از بازسازی



مقامات و خصوصیات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

مقام شفاعت حضرت معصومه (ع)

در روز قیامت حق شفاعت از سوی خداوند به کسانی داده می شود که به مرتبه عالی از قرب الهی و بندگی خالصانه پروردگار رسیده باشند از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است فاطمه معصومه (س) است.

از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است فاطمه معصومه (س) است.

امام صادق (ع) می فرماید: قم کوفه کوچک ماست. برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است. زنی در قم وفات می کند که از اولاد من و نامش فاطمه است. در روز قیامت با شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت می شوند. (جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷)

در متن زیارتنامه حضرت - که از امام رضا (ع) روایت شده است - نیز به مقام شفاعت وی تصریح شده است. **يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛ (مفاتیح الجنان، چاپ اول، ص ۸۵۶)**

در متن زیارتنامه حضرت - که از امام رضا (ع) روایت شده است - نیز به مقام شفاعت وی تصریح شده است. **يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ**

مقام علمی و حدیثی:

حضرت معصومه (سلام الله علیها) از لحاظ علمی و حدیثی مثل مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) «عالمه» و «محدثه» بود و همان گونه که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با استدلالهای متین و استوار، حقانیت ولایت حضرت علی (علیه السلام) را تبیین می کرد، حضرت معصومه (علیها سلام) نیز چنین بود. حضرت معصومه (ع) از جمله روایت کنندگان حدیث بود. علامه امینی در کتاب شریف الغدیر به بعضی از آنها استناد می کند. روایاتی که از آن حضرت نقل شده غالباً درباره امامت و ولایت علی (علیه السلام) است که با اثبات ولایت او ولایت سایر امامان معصوم نیز ثابت می شود. برای نمونه حضرت معصومه با چند واسطه از حضرت

زهرا نقل می کنند که فرمود: پیامبر در شب معراج به بهشت رفت و بر روی پرده ای در قصر بهشت دید که چنین نوشته شده: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ الْقَوْمِ»؛ (معبودی جز خدای یکتا و بی همتا نیست محمد رسول خدا و علی ولی و رهبر مردم است) ... و بر روی پرده در گاه قصر دیگری نوشته شده است: «شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ (شیعیان علی رستگارانند).

حضرت معصومه (سلام الله علیها) از لحاظ علمی و حدیثی مثل مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) «عالمه» و «محدثه» بود و همان گونه که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با استدلالهای متین و استوار، حقانیت ولایت حضرت علی (علیه السلام) را تبیین می کرد، حضرت معصومه (علیها سلام) نیز چنین بود.

در باب مکانت علمی حضرت معصومه نقل شده که روزی عده ای از شیعیان وارد مدینه شدند و می خواستند پرسش هایی از محضر امام کاظم (علیه السلام) پرسند ولی ایشان در سفر بود. از این رو فاطمه معصومه (سلام الله علیها) پاسخ آن پرسش ها را نوشت آنان از مدینه خارج شده و در بیرون شهر با امام کاظم (علیه السلام) مصادف شدند. هنگامی که امام پرسش های آنان و پاسخ های معصومه (سلام الله علیها) را مشاهده کرد، سه بار فرمود: «فِدَاهَا أَبُوهَا»؛ (پدرش به فدایش باد).

تجلی شخصیت زن با هویت اسلامی

حضرت معصومه سلام الله علیها می تواند الگو و اسوه زنان باشد تجلی شخصیت زن با هویت اسلامی است، قابل ذکر است که عده ای نظر متحجرانه دارند مبنی بر اینکه زن در نظام هستی افریده شده تا تولید مثل کند و هیچ حق اجتماعی ندارد و نایست از چهاردیواری خانه خارج شود. در مقابل روشنفکر مابانه متأثر از قرائت غربی ها است و آن اینکه زن کامل آزاد است و می تواند تا مرز برهنگی در صحنه اجتماع حضور پیدا کند. ولی حضرت معصومه سلام الله علیها با شخصیت اسلامی خود تفسیر سومی از هویت زن را در پیش روی همه قرار داده است و آن اینکه زن شایسته آن بانویی است

حضرت معصومه سلام الله علیها می تواند الگو و اسوه زنان باشد تجلی شخصیت زن با هویت اسلامی است،

هم مانع از حضور در اجتماع و نقش آفرینی وی نشود و این موضوع در صورتی قابل جمع است که زن به گونه ای در جامعه حضور پیدا کند که شخصیتش کانون توجه مردان قرار بگیرد؛ نه اندام فیزیکی زنانه وی، و همچنین وی نیز توجه به شخصیت مردان نگاه و نظر داشته نه اندام فیزیکی شخص مردان. با همین شخصیت زنانه اسلامی است که در سن بیست و هشت سالگی در حالی که مجرد بود با کاروانی از مردان سفر هزار کیلومتری از مدینه تا طوس را در پیش گرفتند تا به امام زمانش به پیوندند و این پیامی در خود داشت که زن می تواند در عین اجتماعی بودن، عفیف و محجوب باشد و در عین محجوب و عفیف بودن، اجتماعی باشد.

روشن بینی و بصیرت

حضرت معصومه (روشن بینی و بصیرت) و (موقعیت شناسی) است، و هر کس از چنین خصیصه ای برخوردار نباشد قطعاً از همراهی با امام زمانش باز خواهد ماند. چرا که بصیرت و روشن بینی در تشخیص تکلیف در برابر موقعیت ها سه مرتبه دارد:

حضرت معصومه (روشن بینی و بصیرت) و (موقعیت شناسی) است، و هر کس از چنین خصیصه ای برخوردار نباشد قطعاً از همراهی با امام زمانش باز خواهد ماند.

مرحله نخست از بصیرت در شناخت حق و باطل در شرایط غبار فتنه است مرحله دوم از بصیرت آن است؛ اهل بصیرت پس از شناخت حق از باطل در تشخیص زمان نصرت رساندن و همراهی با حق به هیچ وجه خطانمی کنند و گرفتار خطا توأین نمی شوند مرحله سوم بصیرت آن است؛ به هنگام نصرت رساندن به حق کم نیورد و حاضر شود از جان، مال، فرزند و آبروی خودش هزینه کند. آنچه حضرت معصومه (س) را به فاطمه

پیامبران به نتیجه کامل برسد قم به برکت مضع شریف حضرت معصومه سلام الله علیها کانون توجه همه ملت‌های جهان قرار گرفت.

بانویی صاحب کرامت

توسل و کرامت یکی از خصوصیت‌های حضرت معصومه سلام الله علیها است حضرت معصومه سلام الله علیها هر چند پیامبر و امام نیست؛ ولی در کرامت و مقام توسل در تراز معصومین علیهم السلام قرار دارد و کمتر کسی است در مقام «اضطرار و انقطاع» قرار داشته باشد و توسل به آن حضرت شود ولی مورد لطف کرامت آن حضرت قرار نگیرد، توسل و حاجتش برآورده نشود و گره کور در زندگیش گشوده نشود.

حضرت معصومه سلام الله علیها هر چند پیامبر و امام نیست؛ ولی در کرامت و مقام توسل در تراز معصومین علیهم السلام قرار دارد و کمتر کسی است در مقام «اضطرار و انقطاع» قرار داشته باشد و توسل به آن حضرت شود ولی مورد لطف کرامت آن حضرت قرار نگیرد، توسل و حاجتش برآورده نشود

آن حضرت به بهشت راه می‌یابند.

وجود بابرکت در مقیاس جهانی

هر چند حضرت عمر طویل نداشتند؛ ولی عمر عریض با برکت ابدی در مقیاس جهانی دارند، چرا که با اخلاص ویژه، از همان آغاز دفن در شهر قم، قبه و مضع شریف شأن کانون توجه خواص و نخبگان شیعه قرار گرفت، و حوزه علمیه که مرکز تحصیلات و تحقیقات علوم دینی است در جوار قبه و تربت آن حضرت تأسیس

قم به برکت این نظام اسلامی که در حقیقت به برکت مضع شریف حضرت معصومه سلام الله علیها است کانون توجه همه ملت‌های جهان قرار گرفت.

شد و در سال‌های اخیر به برکت وجود آن حضرت، حکیم، فقیه و سیاست‌مدار استثنایی حضرت امام خمینی (ره)، با انقلاب اسلامی در ایران، بخشی از تلاش و جهاد ۲۵۰ ساله ائمه اطهار علیهم السلام را به نتیجه رساند و موفق به تشکیل نظام و حکومت اسلامی در ایران شد امید است با ظهور آقا امام زمان همه تلاش‌نامه و

هفده روز اعتکاف حضرت معصومه سلام الله علیها در محله ستیه قم که امروز به بیت النور شهرت یافته نمونه‌ای از عبادات این حضرت در طول عمر است که او را به عروج ملکوتی و قدسی رساند.

ثانی تبدیل نمود بصیرت در این سه عرصه بصیرت است؛ چرا که فتنه و شبهه‌ای که واقفیه راه انداخته بودند و انکار امامت حضرت رضا(ع) را می‌نمودند، ایشان حق را شناخت و در امامت حضرت رضا (ع) تردید نکردند.

در همراهی و نصرت رساندن امام زمان خویش بازماندند؛ و از هزینه کردن جان خویش نیز کوتاهی نکردند.

اوج عرفان و سلوک

هفده روز اعتکاف حضرت معصومه سلام الله علیها در محله ستیه قم که امروز به بیت النور شهرت یافته نمونه‌ای از عبادات این حضرت در طول عمر است که او را به عروج ملکوتی و قدسی رساند.

شاید راز و سرّ اینکه سه در از هشت در بهشت از قم باز می‌شود همین باشد که بسیاری از مردم به برکت وجود ملکوتی





فضیلت زیارت حضرت فاطمه معصومه (س)

مقام والای آن بانوی بزرگ است. زیارت حضرت معصومه علیها السلام زیارت همه انبیای اولوالعزم و مه چهارده معصوم علیهم السلام است، که به صورت مخاطب حاضر در حرم حضرت معصومه علیها السلام زیارت می شوند

زیارت حضرت معصومه علیها السلام زیارت همه انبیای اولوالعزم و مه چهارده معصوم علیهم السلام است، که به صورت مخاطب حاضر در حرم حضرت معصومه علیها السلام زیارت می شوند

در یکی از آن دو زیارتنامه امام رضا علیه السلام حضرت معصومه علیها السلام را به هشت لقب ملقب فرموده اند در نتیجه ایشان مانند مادر مظلومه شان زهرای اطهر علیها السلام دارای القاب متعددی هستند. السلام علیک ایتها الطاهرة الحمیده البرة الرشیده التقیه النقیة

ایشان مانند مادر مظلومه شان زهرای اطهر علیها السلام دارای القاب متعددی هستند. السلام علیک ایتها الطاهرة الحمیده البرة الرشیده التقیه النقیة المرضیة.

- الرضیة المرضیة. (بحار الانوار، ج ۱۰۲)
- ۱- طاهره، کسی که به مقام طهارت باطن و روح رسیده و از گناهان به دور است.
 - ۲- حمیده، ستایش گر خداوند.
 - ۳- البرة، نیکو کار.
 - ۴- الرشیده، کسی که به کمال و رشد عقلانی و روحی رسیده است.
 - ۵- تقیه، کسی که به مقام قرب تقوی نائل گشته است.
 - ۶- نقیة، کسی که نظیف و برگزیده است.
 - ۷- الرضیة، کسی که به مقام رضای خدا رسیده و از خدای خویش رضایت کامل دارد.
 - ۸- مرضیة، کسی که خداوند از او راضی است.

در فضیلت زیارت حضرت روایاتی از امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) نقل شده است که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: سعد بن سعد می گوید: در مورد زیارت حرم فاطمه دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) از امام رضا (علیه السلام) سؤال کردم. حضرت فرمود: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ کسی که آن حضرت را زیارت کند پاداشش بهشت است.

کسی که آن حضرت را زیارت کند پاداشش بهشت است.

امام جواد (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ» (کامل الزیارات، ۲۲۴)؛ هر کس [مرقد] عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي» (ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵)؛ هر کس حضرت معصومه (علیها السلام) را در قم زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است. از آنجا که زیارت امام رضا (علیه السلام) از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است این روایت نشانه اهمیت بالای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) می باشد.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي»

زیارتنامه مأثور (بیان شده از جانب معصومین علیهم السلام) از آداب تشریف به حرم مطهر معصومان علیهم السلام و امامزادگان، خواندن زیارت نامه آن بزرگواران است. زیارت نامه معصومان علیهم السلام از سوی خود حضرات معصومین علیهم السلام صادر گشته است. اما غالباً زیارت نامه امامزاده ها را علما و بزرگان با استفاده از احادیث، برای زیارت آنها تنظیم کرده اند. اما زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام توسط معصومان علیهم السلام بوده و جزو احادیث محسوب می گردد. از امام رضا علیه السلام دو زیارت نامه برای حضرت معصومه علیها السلام روایت شده است. و این حاکی از



حرم حضرت معصومه (س)

از جمله روایتی که از جعفر صادق، علی بن موسی و محمد الجواد درباره ثواب بهشت برای زیارت فاطمه معصومه ذکر کرده‌اند تاثیر مزار حضرت معصومه در شکل‌گیری حوزه علمیه قم و نشر معارف اهل بیت

ورود حضرت معصومه به قم باعث برکات فراوانی گردید و به یمن وجود بارگاه ایشان در قم، امروزه قم از بزرگ‌ترین مراکز علمی و با شکوه‌ترین حوزه‌های علمیه جهان می‌باشد. اهمیت زیارت ایشان، علما و دانشمندان فراوانی را به سوی این شهر جذب و برکات فراوانی را نصیب قم کرد، که مهم‌ترین آنها گسترش مراکز علمی بود و نقش بسزایی در تحکیم و گسترش حوزه علمیه و رفت و آمد و ارتباط علما و راویان و شاگردان برجسته امامان علیهم السلام داشت. ورود ایشان به قم، و مرقد مطهر او، و سپس ورود امامزادگان و راویان احادیث و دانشمندان کوفه و دیگر شهرها به قم، موجب تحولات تازه و مؤثری در استحکام و گسترش تشیع گردید.

ورود ایشان به قم، و مرقد مطهر او، و سپس ورود امامزادگان و راویان احادیث و دانشمندان کوفه و دیگر شهرها به قم، موجب تحولات تازه و مؤثری در استحکام و گسترش تشیع گردید.

در حال حاضر حرم مطهر آن بانوی سرفراز کانون علم و عمل و مرکز نور و هدایت به صورت گوناگون است: تدریس، تدریس، مباحثه، مناجات، دعا، اذان، نماز جماعت، اقامه عزا و سوگواری عزیزان خدا، مراسم جشن و سرور در اعیاد مذهبی، سخنرانی‌های سودمند مذهبی، ارشاد، وعظ و خطابه، قرائت قرآن کریم، ذکر مصیبت امام حسین (علیه السلام)، مدیحه و مرثیه سرایی خاندان عصمت، نشر معارف اهل بیت، آشنایی ملل مسلمان جهان با یکدیگر و ده‌ها عنوانین افتخارآمیز دیگر از فیوضات این کانون فیض لاینقطع و گسترده الهی است.

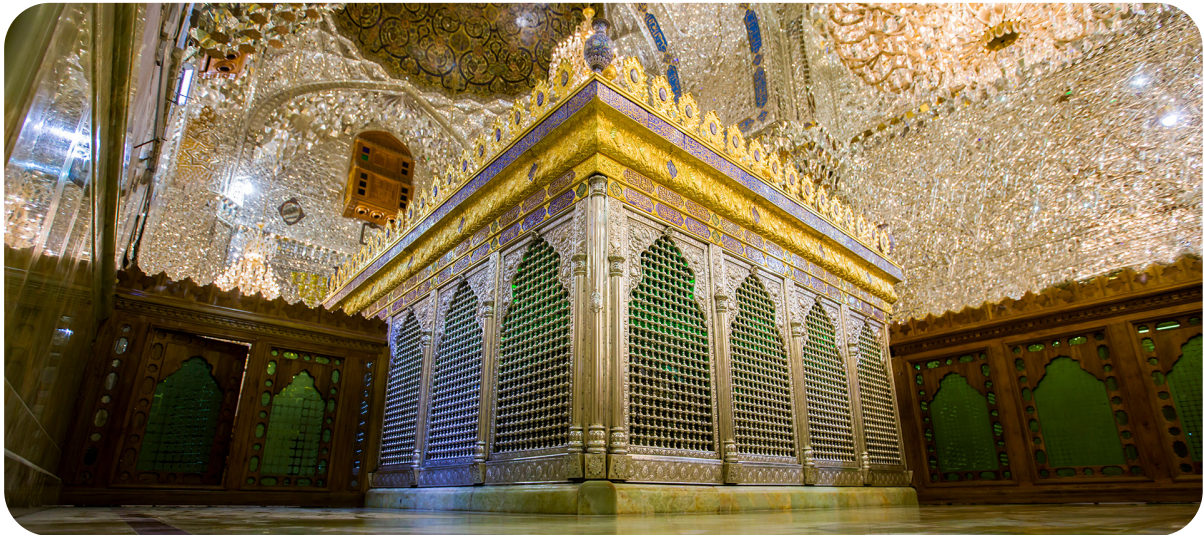
بر اساس گزارش منابع شیعی، پس از مراسم خاکسپاری حرم حضرت معصومه، توسط موسی بن خزرج، سایبانی از بوریای بر قبر او ساخته شد که این سایبان تا زمانی که زینب دختر محمد بن علی الجواد (امام نهم شیعه)، بر آن گنبدی بنا کرد، همچنان پابرجا بود (خراسانی، منتخب التواریخ، ۴۹۰) نام این گنبد، قبه زینبیه گزارش شده است. چندی پس از دفن فاطمه معصومه و با فوت چند تن از دختران علوی، آنان نیز در کنار وی دفن گردیدند؛ از جمله: زینب، میمونه و بریهه

پس از مراسم خاکسپاری حرم حضرت معصومه، توسط موسی بن خزرج، سایبانی از بوریای بر قبر او ساخته شد

(دختران موسی مبرقع)، میمونه و امّ محمد (دختران محمد تقی)، امّ اسحاق (کنیز محمد بن موسی مبرقع) و امّ حبیب (کنیز ابوعلی محمد بن احمد بن علی بن موسی الرضا (امینی، گوهر قم) قبه برجی شکلی که زینب دختر محمد تقی از آجر و سنگ و گچ بر فراز قبر فاطمه معصومه ساخته بود در اواسط قرن سوم هجری قمری تکمیل شده و به مرور زمان با دفن سایر زنان علوی، دو گنبد دیگر در کنار گنبد آجری بنا شد. این سه گنبد تا سال ۴۷۷ پابرجا بود. علاوه بر گنبد، ساخت و سازها در ساخت و تزئین مرقد نیز دوران‌های مختلفی را گذرانده است. (محمدیگی، فروغی از کوثر، ۱۰۷) شاه بیگم دختر شاه اسماعیل اول، این زیارتگاه را توسعه داد. بعدها شاه عباس اول نیز اقدام به توسعه مجموعه حرم کرد و مدرسه و امکاناتی رفاهی برای زائران این مدفن، ساخت

ورود حضرت معصومه به قم باعث برکات فراوانی گردید و به یمن وجود بارگاه ایشان در قم، امروزه قم از بزرگ‌ترین مراکز علمی و باشکوه‌ترین حوزه‌های علمیه جهان می‌باشد.

زیارت مدفن فاطمه معصومه در قم، مورد توجه شیعیان قرار گرفته است و در این باره تاکیدهایی در منابع شیعی مشاهده می‌شود.



ولادت با سعادت امام حسن عسکری صلوات الله و سلامه علیه

مناطق فراوان است که با آنان در ارتباط بود و از این راه، شیعیان را در همه مناطق زیر نگاه داشت. یکی از نمایندگان امام «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری»، از یاران ویژه امام و از شخصیت‌های بزرگ شیعی در قم بود. برخی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده‌اند. در راس و کیل‌های امام، «محمد بن عثمان عمری» قرار داشت و کیل‌های دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. آنان نوعاً اموال و وجوه جمع‌آوری شده را به وی تحویل می‌دادند و او آن‌ها را به امام (علیه‌السلام) می‌رساند.

رهبری فعالیت‌های سیاسی

امام عسکری (علیه‌السلام) با وجود همه محدودیت‌ها و کنترل‌های دستگاه خلافت، یک زنجیره فعالیت‌های سیاسی سری را رهبری می‌کرد که از چشم جاسوسان دربار، به دور می‌ماند. برای نمونه، عثمان بن سعید عمری در پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد. شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوه خود را به او می‌رساندند و او آن‌ها را در ظرف‌های روغن قرار داده، به حضور امام (علیه‌السلام) می‌رساند.

آگاهی بخشی سیاسی

از دیگر فعالیت‌های سیاسی امام عسکری (علیه‌السلام)، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه، برابر فشارها و سختی‌های مبارزات سیاسی، برای حمایت از آرمان‌های بلند تشیع بود. می‌کوشید صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و تنگدستی‌ها فزونی یابد، تا بتوانند مسؤولیت بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند.

منابع.
سمعانی، الانساب، کلینی، الکافی، شیخ مفید، الارشاد، ابن طلحه، مطالب السؤل، سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، نوبختی، فرق الشیعه، حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، طبسی، حیاة الامام العسکری

به مناسبت ولادت امام یازدهم شیعیان (۲۱ مهر)

ابومحمد حسن بن علی (علیه‌السلام) (۲۳۲-۲۶۰ ق)، ملقب به عسکری، نقی، زکی، فاضل و امین، فرزند امام علی هادی (علیه‌السلام)، پدر حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و یازدهمین پیشوای شیعیان است. آن حضرت بعد از شهادت پدرش در ۲۲ سالگی به امامت رسید و به مدت ۶ سال امامت شیعیان را بر عهده داشت. امامت ایشان در زمان خلفای عباسی و تحت کنترل شدید حکومت وقت قرار داشت، امام حسن در تاریخ هشتم ربیع الاول ۲۶۰ قمری به دستور معتد عباسی مسموم و به شهادت رسید و در همان شهر سامرا و در کنار مزار پدرشان به خاک سپرده شد.

فعالیت‌ها در راستای حفظ اسلام

آن حضرت، با همه فشارهای حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی، در راستای حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می‌داد. بخشی از آنها به شرح زیر است:

کوشش علمی

امام عسکری (علیه‌السلام)، اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشتند. شیخ طوسی، شمار شاگردان آن حضرت را افزون بر یک صد نفر ثبت کرده است. میان آنان چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و وارسته‌ای مانند احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، ابوعمر و عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفار به چشم می‌خورند.

امام عسکری (علیه‌السلام)، اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشتند.

ایجاد شبکه از تباطی و کالت

از جمله فعالیت‌های امام حسن عسکری گسترش حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان از میان شخصیت‌های برجسته شیعه، در

ولادت با سعادت امام حسن عسگری علیه السلام مبارک باد



امام حسن عسگری علیه السلام :

از خدا پروا کنید و مایه آراستگی باشید، نه باعث ننگ و زشتی

اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا



سیزدهمین کنفرانس شعر و سپاه

ویژه کارکنان شاغل سپاه در عضویت‌های مختلف، اعم از عضویت‌های نظامی، کارمند، بسیجی ویژه، خرید خدمت و سربازان وظیفه

بخش اصلی:

- انتظار، زمینه ساز تمدن نوین اسلامی
- پیچ تاریخی (اقتدار نظام در عبور از حوادث و بحران‌ها)
- مقاومت ره آورد فرهنگ عاشورا و زمینه ساز افول صهیونیسم
- کودک و نوجوان در آینه مقاومت
- وحدت جهان اسلام
- بی‌حجابی و پیامدها

بخش ویژه:

- ارسال اشعار با گویش‌های مختلف ایرانی با موضوع: ایران مقتدر (وطن، شهادت، خدمت، وحدت، مقاومت، حماسه، غیرت، امنیت و ...)

مهلت ارسال اشعار:

۱۰ آبان ۱۴۰۳

برای ارسال اشعار خود به روابط عمومی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در رده‌های سپاه مراجعه فرمایید.

